

انتظار

و

انسان معاصر

مفهوم و حقیقت انتظار

ریشه‌های انتظار

ادب انتظار

اثرات انتظار

مؤلف :

عزیز الله حیدری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انتظار

و

انسان معاصر

(انسان معاصر، انتظار و تبیین مراتب آن)

نوشته: عزیز الله حیدری

به کوشش: مرکز مطالعات و تحقیقات

صاحب الزمان علیہ السلام

حیدری، عزیزاللہ، ۱۳۳۷ -
انتظار و انسان معاصر / نویسنده عزیزاللہ
حیدری؛ بهکوشش مرکز مطالعات و تحقیقات صاحب
الزمان (علیه السلام) - قم: مسجد مقدس صاحب
الزمان (جمکران)، ۱۴۱۹ق. = ۱۳۷۷.
۷۵ ص.

ISBN 964-6705-12-x: ۳۵۰۰ ریال
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیفا (فهرست نویسی
پیش از انتشار).
کتابنامه.

۱ مہدویت - انتظار ۲ محمد بن حسن (عج)،
امام دوازدهم، ۲۵۶ق. - غیبت الف مسجد
جمکران: مرکز مطالعات و تحقیقات صاحب الزمان
(علیه السلام). ب مسجد جمکران. ج عنوان.

۲۹۷/۴۶۲

BP۲۲۴/۴/۸۶۱۸

۱۰۲۸۶-۱۰۷۷م

شناسنامه

نام کتاب: انتظار و انسان معاصر
(انسان معاصر، انتظار و تبیین مراتب آن)
نویسنده: حجة الاسلام عزیزاللہ حیدری
به کوشش: مرکز مطالعات و تحقیقات صاحب الزمان (علیه السلام)
ناشر: انتشارات مسجد مقدس جمکران - قم، تلفن: ۷۴۱۷۷۶
حروفچینی: واحد کامپیوتر مسجد مقدس جمکران
نوبت چاپ: اول، نیمه شعبان ۱۴۱۹
لیتوگرافی و چاپ: نهضت - قم، تلفن: ۷۴۲۱۱۶
طراحی: الزهراء - قم، تلفن: ۷۳۶۸۷۳
تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه
بهاء: ۳۵۰ تومان

شابک: X-۱۲-۶۷۰۵-۹۶۴

حق چاپ محفوظ است

ای عزیز دل زهرا!

ما با سرمایه اندکی

به خدمت آمده ایم

اما تو ظرف خالی ما را پر کن.

به جای مقدمه:

ضرورت:

با نام دوست، که هر آنچه دل در هوای اوست.
تولد مهدی تولد نور است و میلاد حجت خدا و قائم آل
محمد ﷺ.

ما نه تنها به امام مهدی عجل الله فرجه اعتقاد داریم، بلکه با ذره ذره وجود به
او عشق می‌ورزیم و یقین داریم.

اما چطور؟

آیا محتاج استدلال و اثبات نیستیم؟

شیعه اهل تفکر است، اهل بصیرت است چنانکه قرآن آموزش
داده است. (۱)

و از پیامبر اکرم ﷺ که در قرآن مأمور به دعوتی بر اساس
روشن بینی و بصیرت شده است پیروی می‌کند.

بگو این راه من است، شما را و هر کس از من پیروی

کند به بصیرت دعوت می‌کنم. (۲)

اما از جهتی می‌توانیم بگوییم ما نیازی به مراجعه تاریخی نداریم زیرا که امام علیه السلام نیاز بشریت است. پس او وجود دارد، حضور دارد، هر چند ظهور ندارد.

توضیح اینکه: بر اساس بینش دینی ما اسلام، که دقیق‌ترین و ناب‌ترین نگاه را درباره انسان و نیازهایش دارد، انسان در هستی و کل نظام جهانی مطرح است. یعنی ما خود را در جهانی مرتبط با خویش احساس می‌کنیم و این انسان بعد از مرگ استمرار دارد. (۳) یعنی همان قیامت و معاد.

این انسانی که با قبرستان تمام نمی‌شود، دارای پیوندها و اتصال‌های دیگر هم هست.

پیوندی با جامعه،

پیوندی با کل نظام و با کل هستی.

این تنگ چشمی است که انسان در جامعه و در رابطه با ابزار تولید (نظریه کمونیست‌ها) بررسی شود. همین طرح غلط و محدود است که دیدگاه ما را در مسأله حکومت و رهبری هم محدود و تاریک می‌سازد.

اگر این دید محدود و این طرح غلط را کنار بگذاریم و انسان را در کل هستی مطرح کنیم، ناچار این انسان با این پیوند و ارتباط، به حکومتی نیاز دارد هماهنگ با نظام هستی؛ چون انسان را درگیر و دار یا همهٔ عالم بررسی می‌کند.

پس حکومت هم باید پیرو این شناخت باشد تا برنامه‌ای صحیح و جامع را طرح ریزی کند که به چنین موجود حساس و مرتبطی ضرر نزند و همه روابط او و منافعش را در نظر می‌گیرد و در نتیجه دوم، نیاز به حاکمی است که آگاه به ارتباطات و نظام هستی باشد.

موجودی دارای اشراف به همهٔ عوالم و ارتباطات و نتیجهٔ سوم اینکه قانونی مورد احتیاج می‌شود که برگرفته از این نظام و واقعیت باشد، این قانون همان قانونی است که توانسته است تمام جوانب نیاز را در پیش روی انسانی با چنین گستردگی در رابطه‌ها بگذارد و او را دچار تناقض نکند. آن وقت است که می‌توان گفت این حکومت و این قانون و حاکم، مردمی و انسانی و واقعی و حقیقی خواهند بود.

از این به بعد سر و کار ما با روابط اجتماعی و نظرگاه‌های انسانی نیست، که ما فقط با واقعیت‌ها و روابط علت و معلولی و علمی سر و کار داریم. واقعیت‌هایی که پیش از ذهن و پیش از آراء و حتی پیش از علم واقعیت دارند و جلوتر از علم هستند و جلوتر از زمانی که علم در

آن شکل می‌گیرد و پیش می‌رود. این واقعیت‌ها حتی از زمان آگاهی انسان نیز جلوتر هستند.

البته این بینش کسانی است که جهان را به دور از فرضیه‌های توهم زا بررسی می‌کنند و چه به جاست که در چنین واقعیت مقدمی، کسی راهنما و جلو دار باشد، تا به راه آدمی نور بیاشد و او را از حیرت برهاند. این فرد جز در کلمه امام تشخیص و تعیین نمی‌یابد.

امام، یعنی جلو دار. در این دیدگاه مترقی و با این بینش وسیع است که طرح امامت، جان می‌گیرد و مفهوم می‌شود و به راحتی می‌گوییم، امام، یک ضرورت است، تولد او هم چنین ضروری است. حتی اگر تمامی تاریخ بر آن بشورند^(۴) و ضرورت است حتی اگر قدرت‌ها و حکومت‌ها نخواهند. حکومت‌هایی که در چهارچوب منافع خویش یا چهارچوب روابط اجتماعی و تولیدی جامعه، حکمران هستند و انسان‌ها را به بیگاری کشیده‌اند و او را تا حد پالایشگاهی از کثافت و قاذورات تنزل داده‌اند و در مداری بسته به جریان انداخته‌اند.

این امام ضرورت دارد؛ پس وجود دارد. عطش و نیاز به او دلیل آشکاری است. چون عطش به آب را که احساس می‌کنیم، خود دلیل وجود آب است. چرا؟

زیرا اگر ساختمان بدنی ما آب را نخورده و نداشت، احساس عطش و نیاز نمی‌کرد. چقدر زیبا امام سجاد علیه السلام با این دلیل ما را به وجود خدا نیز رهنمون می‌شود آنجا که می‌فرماید:

«بک عرفتک و انت دللتنی علیک و دعوتنی

الیک...»

من با تو، تو را شناختم و حتی خودم را با تو دیدم، اگر تو نبودی که

من تو را نمی‌شناختم و همچنین می‌فرماید:

«لولا أنت لم أدر ما انت»^(۵)

اگر آب نخورده بودم که احساس عطش نمی‌کردم.

احساس نیاز:

احساس نیاز به امام کجاست؟

وقتی انسان را در کل هستی مطرح کردیم، ناچار این انسان با این

پیوند و ارتباط^(۶) به حکومتی نیاز دارد هماهنگ با نظام هستی و به

حاکمی نیاز دارد، آگاه به این نظام. در این بینش، حکومت، امامت

است و حاکم امام، و قانون، قانونی هماهنگ با کل این نظام.

در این دید حاکم باید به تمام روابط انسان با هستی آگاه باشد و از

تمام نظام با خبر باشد و گذشته از این آگاهی (علم) باید از جذبه‌ها و

کشش‌های نفسانی و تمایلات شیطانی آزاد باشد، که خلق را به راهی دیگر نکشاند و شتر حکومت را بر در خانه خویش نخواستند. حاصل جمع این آگاهی و آزادی مساوی است با «عصمت» که ملاک انتخاب حاکم است، و همین طرح می‌شود طرح حکومتی تشیع^(۷) و این چنین طرحی، چنین بینش وسیع و مترقی، سزاوار این همه خون در تاریخ و این همه شور و حماسه و درگیری در جامعه انسانی است.

نمونه آگاهی امام علیه السلام در روایات چنین آمده است:

«قال رسول الله صلی الله علیه و آله: (معاشر الناس) ما من علم الا وقد احصاه الله في و كل علم علمت فقد احصيته في امام المبین و ما من علم الا علمته عليها و هو الامام المبین.»

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «ای مردم! هیچ دانشی نیست مگر آنکه خداوند آن را در من جمع نموده است و همه دانش‌ها را من در امام مبین جمع نمودم و علمی نیست مگر آن را به علی علیه السلام آموختم و او همان امام مبین است.»^(۸)

و امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«خداوند دانش حلال و حرام و علم تاویل و آنچه مردم نیاز دارند را به پیامبر صلی الله علیه و آله آموخت و ایشان

هم تمام آن دانش‌ها را به علی علیه السلام آموخت. (۹)
 این امام مبین تا امام زمان علیه السلام ادامه پیدا می‌کند، چنانکه
 پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«الائمة بعدی اثنا عشر» (۱۰)

امامان بعد از من دوازده نفرند، «اولهم علی و اربعهم علی و ثامتهم
 علی و عاشرهم علی و آخرهم المهدي» (۱۱)

«امام اول علی نام دارد، چهارم نیز علی است و هشتم از ایشان نیز
 همچنین و دهم نیز علی است و آخرین نفر از آنان مهدی علیه السلام است.»
 آری چنین است که می‌بینیم ائمه اطهار علیهم السلام در زندگی خویش
 همیشه در اوج زهد و وارستگی و آگاهی بوده‌اند و مهدی علیه السلام وارث
 چنین میراث عظیمی است. آگاهی نه تنها از حلال و حرام، بلکه به
 ضمائر و پنهان.

کلینی در کتاب شریف کافی (۱۲) نقل می‌کند:

«در عصر غیبت صغری مردی از اهالی عراق سهم
 امام خود را به ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام (جایی که
 رابطین و نواب خاص او از آنجا با مردم تماس
 داشتند) فرستاد. اما قبول نشد و رد گردید (۱۳). به او
 گفته شد که چون حق پسر عموهایت که چهارصد

درهم است، در میان این مال است و باید حق آن‌ها داده شود. بعد معلوم شد که آن مرد در ملکیت با پسر عموهایش شریک شده بود و حق آن‌ها را نداده بود. (۱۴) وقتی حساب کرد دریافت که حق پسر عموهایش همان چهارصد درهم است، این مقدار از مال را به صاحبان پرداخت کرد و بقیه را به ناحیه مقدسه فرستاد. آنگاه سهم امام او پذیرفته گردید.

با چنین مقدماتی است که می‌گوییم ما امام علیه السلام را باور داریم، قبل از آنکه تاریخ برای شهادت به یاری ما بیاید. و گرنه تجربه تاریخی هفتاد ساله غیبت صغری در پیش روی ماست. غیبت صغری نشان دهنده مرحله نخست امامت مهدی علیه السلام است. مردم در این دوره از طریق یاران خاص و مورد اعتمادی چون:

۱- عثمان بن سعید

۲- محمد بن عثمان

۳- حسین بن روح نوبختی

۴- علی بن محمد سمری

با او ارتباط داشته‌اند. به این ترتیب بود که مردمی که از دیدار پیشوای خویش محروم بودند، دلخوش به مکاتبات و روابط غیر

مستقیم گشتند. همه توقیعات و نامه‌هایی که از امام علیه السلام رسیده، دارای یک خط و یک شیوه بوده است. راستی چطور می‌توان پذیرفت یک دروغ هفتاد سال پایدار بماند و می‌دانیم که چراغ دروغ همیشه بی‌فروغ بوده است و منطق زندگی، عملاً با حساب احتمالات ثابت می‌کند که دروغ نمی‌تواند با این صورت خاص در تمام مدت روزگاری که بر مهدی علیه السلام گذشته دوام بیاورد و همه وابستگی‌ها و نقشه‌ها را در بر بگیرد و اعتماد پیروانش را نیز جلب کند. (۱۵)

انتقال از غیبت صغری به غیبت کبری نشان دهنده این واقعیت است که هدف‌هایی که از غیبت صغری وجود داشت برآورده شده و با این برنامه تدریجی شیعه از آسیبی که خلاء ناگهانی امام علیه السلام وارد می‌کرده، در اعمال مانده است، و موقعیت شیعه بر اساس غیبت شکل گرفته است، تا اندک اندک مردم برای پذیرش «نمایندگان عام» امام آماده گردند.

با این انتقال نیابت و نمایندگی امام، از دست افراد مشخص برگزیده به دست مجتهدین عادل و بینا افتاد و در کارهای دین و دنیا پیروی از آنان لازم شد. (۱۶)

زمینه‌های انتظار:

پس ما اکنون انتظار چه چیزی را می‌کشیم؟

واقعیت این است که دنیای کنونی با همه ادعاهای خویش دچار سردرگمی‌های بسیاری می‌باشد. چالش‌ها و تعارضات تمدن کنونی چنان فراگیر و آشکار شده است که مدعیان خود به اعتراف دست‌یازیده‌اند. به قول گاندی رهبر استقلال هند:

«تمدن غرب می‌درخشد، اما نور ندارد»

طلا درخشش دارد ولی در تاریکی راهی را نشان نمی‌دهد. آمریکا اکنون طرح نظم نوین جهانی را ارائه کرده است و پیوسته خود را قدرتی مسلط، فراگیر و جهانی می‌داند، اما در باطن خویش مشکلاتی بزرگ دارد که از لابلای گفته‌ها سردمداران آن آشکار است.

«برژینسکی»^(۱۷) در نمایشی از قدرت آمریکا می‌گوید:

«آمریکانه تنها دارای قدرت استراتژیکی بیش از حد است و این قدرت با توسل به پیشرفت‌ها و نوآوری‌های تکنولوژیک دائماً در حال افزایش است، که توان بلا منازعی را نیز برای اعزام نیروهای خود به دورترین نقاط جهان دارد... آمریکا نه تنها رهبری کنونی جهان را به عهده دارد که از دیدگاه اکثر

مردم سراسر جهان انتظار می‌رود تا آینده دور نیز بر

اریکه قدرت باقی بماند. (۱۸)

اما همین روباه مکار در جای دیگر می‌گوید:

«خلاء اخلاقی، تعبیر دقیق‌تری از پوچی معنوی

است. همان پوچی معنوی که بخش بزرگی از تمدن

غرب را فراگرفته است.» (۱۹)

و در جای دیگر: «بزرگ‌ترین خطری که آمریکا را تهدید می‌کند از

ناحیه تضادی است که از تداخل بین مسائل اجتماعی و ارزش‌های

حاکم بر روح و فرهنگ جامعه آمریکا به جود می‌آید. مسائل

اجتماعی نتیجه ده‌ها سال تبعیض نژادی، بی‌تفاوتی و اخیراً هم الگو

گرایی آمریکا است. عواقب آن از یک سو، فقر و حشمتناک و محرومیت

است که با دیوارهای نامرئی تعصب و الگوگرایی از زندگی واقعی در

آمریکا جدا شده است و از سوی دیگر، نوعی الگوگرایی است که به

حیات مادی توجه دارد. اما اساساً تلاشی برای یافتن مفهوم زندگی

نیست. این شرایط را بن‌بست‌های موجود در نظام قانونی آمریکا

تداوم می‌بخشد. بن‌بست‌هایی که مانع هرگونه اقدام هماهنگ برای

نجات میلیون‌ها انسانی است که بدین ترتیب از مشارکت در شعار

مقدس! آمریکا، جامعه فرصت‌ها، محروم می‌شوند.» (۲۰)

تلویزیون آمریکا رسانه‌ای است که محتوای برنامه‌هایش به قدری پیش پا افتاده است که ابتداءً در فرهنگ جدید آمریکا را به اصول و هنجارها تبدیل کرده است.

پربیننده‌ترین برنامه‌های تلویزیونی خاص جوانان آمریکا، عموماً والدین آن‌ها را دارای احساس منحرف، طلاق گرفته، مجرمین سفید پوست، آلوده به مشروبات الکلی یا کوکائین و زرق و برق‌های فریبنده عصر جدید معرفی می‌کنند. با توجه به چنین پدیده‌هایی، والدین مشکل است که بتوانند ارزش‌های اجتماعی را به فرزندان خود انتقال دهند. انحطاط بارز هسته خانواده، به عنوان بنیادی‌ترین واحد اجتماعی، پریشانی فلسفی - فرهنگی جامعه معاصر آمریکا را شدت می‌بخشد. (۲۱)

معضلات نظام نوین جهانی:

در یک جمع‌بندی نویسنده گرفتاری‌ها و معضلات این رهبر نظم نوین جهانی! را در بیست مورد فهرست می‌کند که بعضی از آن‌ها عبارتند از:

۱ - بدهی

۲ - کسری موزنه تجاری

- ۳- وضع نامناسب بیمه‌های درمانی
 - ۴- حرص و طمع طبقه ثروتمند (که در موارد بسیار کاملاً آماده‌اند برای ثروتمند شدن به غیر قانونی‌ترین اعمال دست بزنند).
 - ۵- نارضایتی از نظام قضایی
 - ۶- گسترش جنایت و خشونت
 - ۷- گسترش فرهنگ اعتیاد
 - ۸- رشد روحیه ناامیدی اجتماعی
 - ۹- بی‌بند و باری جنسی (که به شیوه زندگی مردم آمریکا تسلط یافته است، شالوده و احساس پیوندهای خانوادگی با رشد پدیده‌ای به نام تک والدین تهدید می‌کند).
 - ۱۰- ایدز
 - ۱۱- تبلیغ گسترش فساد اخلاقی
 - ۱۲- روحیه بی تفاوتی در میان اقشار جامعه
 - ۱۳- ظهور چند فرهنگی بالقوه تفرقه افکن^(۲۲)
 - ۱۴- ظهور بن‌بست در نظام سیاسی
 - ۱۵- گسترش فرآیند احساس پوچی معنوی^(۲۳)
- و...
- و تازه اروپا نیز وضع بهتری ندارد که نیازی به توضیح نیست و به

همین خاطر است که نویسنده کتاب نسخه‌ای پیشنهاد می‌کند که:
 آمریکا به وضوح نیازمند یک دوره بازاندیشی،
 بازنگری فلسفی و انتقاد از فرهنگ خودی است.
 آمریکا باید به درستی این واقعیت را بپذیرد که
 لذت‌طلبی همراه با نسبی‌گرایی که راهنمای اصلی
 مردم شده است، هیچگونه اصل و ثابت اجتماعی
 را ارائه نمی‌دهد. باید بپذیرد که جامعه‌ای که به هیچ
 یک از ویژگی‌های مطلق اعتقاد ندارد بلکه در عوض
 رضایت فردی را هدف قرار می‌دهد. جامعه‌ای که
 در معرض تهدید فساد، و زوال قرار دارد. (۲۴)

و اما چه کسی در میان این بلبشو، برای اصلاح اجتماع و افکار
 برخواند خاست و زنجیره تاریخی سرمایه‌داران بزرگ صهیونیست و
 غیره را خواهد شکست؟

خوب است به جواب «آلویین تافلر» مشاور سیاستمداران آمریکا
 که نظریه موج سوم^(۲۵) را ارائه کرده است، بنگریم:
 فهرست مشکلاتی که جامعه ما (غرب) با آن مواجه است تمامی
 ندارد. با دیدن فروپاشی پیاپی نهادهای یک تمدن صنعتی در حال
 نزع، به درون غرقاب بی‌کفایتی و فساد، بوی انحطاط اخلاقی آن نیز

مشام را می آزارد. در نتیجه موج ناخشنودی و فشار برای تغییرات فضا را انباشته است. در پاسخ به این فشارها هزاران طرح ارائه می شود که همگی مدعی اند، اساسی و بنیادی یا حتی انقلابی هستند. اما بارها و بارها مقررات و قوانین و طرح ها و دستورالعمل های جدید که همگی به منظور حل مشکلات ما تهیه و تدوین شده اند، کمانه می کنند و بر وخامت مشکلات ما می افزایند و این احساس عجز و یأس را دامن می زنند که هیچ فایده ای ندارد و مؤثر نیست. این احساس، برای هر نظام دموکراسی خطرناک است و نیاز شدید به «وجود مرد سوار بر اسب سفید» ضرب المثل ها را هر چه بیشتر دامن می زند. (۲۶)

ما اکنون با تشکیل نظام جمهوری اسلامی که با انقلاب اسلامی به ثمر رسید در این بخش از جهان حرفی دیگر داریم.

انقلاب اسلامی گرچه مثل خاری در چشم و گلوی استکبار جهانی نشسته است و امیدی برانگیخته است، اما با مشکلات و دسیسه های زیادی چه از داخل و خارج رو به روست.

گرچه تا کنون به گفته امام راحل علیه السلام و یادآوری رهبر انقلاب حضرت آیه الله خامنه ای (حفظه الله تعالی) پیوسته با لطف خدا و دستی پنهان یاری شده ایم، اما باز ما منتظریم.

چنانکه امام راحل علیه السلام بارها می فرمودند: ما باید این مملکت را به

صاحب اصلی اش واگذار کنیم، که سرکوب‌گر جانانه دشمنان به طور کامل، فقط همان منتقم حقیقی می‌باشد و توجه دادن رهبر به وظیفه و نه به نتیجه برای همین است که به یأس در شکست‌ها نرسیم و تکلیف زمینه‌سازی را بر زمین نگذاریم. آری ما مأیوس نمی‌شویم و به انتظار نشسته‌ایم.

براستی آیا منتظرانی واقعی هستیم؟

عناوین بحث

آیا ما نیاز به ارزیابی خودمان در باب انتظار نداریم؟
 آیا اگر عدالت و رفاه و آزادی و حتی عرفان را به دست آوردیم،
 دیگر مرحله انتظار تمام شده و دیگر مهدی (عج) را نمی‌خواهیم؟
 این سوالات مباحثی را پیش می‌کشد که در چند مرحله بررسی
 می‌شود.

۱- مفهوم و حقیقت انتظار

۲- ریشه‌های انتظار

۳- ادب انتظار

۴- اثرات انتظار

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- واژه‌های عقل، فکر و بصیرت در قرآن بسیار آمده است.
- ۲- «قل هذه سبيل ادعوكم على بصيرة انا و من اتبعنى» سورة يوسف، آیه

۱۰۸

- ۳- ما برای اثبات قیامت راهی بهتر از عظمت انسان و شناخت خود انسان نداریم، انسان با این همه استعداد علامت جهانی دیگر است که در پیش روی اوست یک بچه در دوران جنینی دست و پای دارد در حالیکه در شکم مادر محتاج این دست و پا نیست. آنجا که نمی‌خواهد برود یا چیزی را بدهد یا بستاند و آن دست و پا (استعداد) علامت دنیایی دیگر است که این‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند. با همین استدلال می‌توان نتیجه گرفت استعدادهایی چون فکر و عقل و وجدان که راه را بر بسی خیالی آدمی بسته‌اند و مانع خوشی او می‌شوند، نشانه ادامه راه‌اند. نشانه اینکه این آدمی بعد از مرگ ادامه دارد و معادی هست و دنیای دیگر.

- ۴- (شبهت تولد امام علیه السلام به حضرت موسی علیه السلام در روایات آمده و تاریخ هم همین را تأیید می‌کند. یعنی همانطور که بیست هزار کودک در جریان تولد موسی علیه السلام به وسیله فرعون کشته و سقط شدند. تولد حضرت صاحب الزمان علیه السلام هم چنین سیری را طی کرده است.) بحار الانوار، ج ۱۳

۵- دعای ابو حمزه ثمالی، مفاتیح الجنان.

- ۶- ارتباط با خود، با خدا، با جهان، با دیگر انسانها (محمد تقی جعفری، تکاپوی اندیشه‌ها)

- ۷- حالا معلوم می شود چرا امام راحل (ره) می فرمودند جمهوری اسلامی،
نه یک کلمه کم و نه یک کلمه بیش!
- ۸- احتجاج طبرسی، ج ۱، صحیفه ۷۴. به نقل از الحکمة الزاهرة، ص ۸۳
- ۹- بصائر الدرجات، ص ۲۹۲. به نقل از الحکمة الزاهرة، ص ۸۳
- ۱۰- اثبات الهداة، ج ۱، ص ۵۸۲
- ۱۱- تفسیر ابوالفتوح، ج ۲، ص ۵۸۷
- ۱۲- همان
- ۱۳- علامت آزادگی
- ۱۴- علم و آگاهی
- ۱۵- حماسه‌ای از نور، آیه الله محمد باقر صدر، ص ۷۱
- ۱۶- امام مهدی علیه السلام، ص ۶۹ و ۷۰.
- ۱۷- استاد علوم سیاسی دانشگاه هاپکنیز آمریکا، مشاور فعلی مرکز
مطالعات استراتژیک بین‌المللی و مشاور امنیت ملی آمریکا در دوران
کارتر.
- ۱۸- خارج از کنترل، نوشته برژینسکی، ص ۱۰۴. ترجمه از کتاب «out of
control»
- ۱۹- همان، ص ۸۴
- ۲۰- همان، صفحات ۱۲۷ و ۱۲۸.
- ۲۱- همان، ص ۱۲۸.
- ۲۲- همان، صفحات ۱۲۰ تا ۱۲۲.
- ۲۳- از خدمات پلورالیزم (تکثرگرایی دینی)
- ۲۴- خارج از کنترل، ص ۱۲۹
- ۲۵- در تحلیل اوضاع سیاسی جهان و غرب چند نظریه معروف است:
- ۱- «ساموئل هانتینگتون»، مقابله غرب و بقیه جهان
- ۲- «فرانسیس فوکویاما» که پایان تاریخ به معنای پایان مرحله تکامل

ایدئولوژیک بشر و پیروزی دموکراسی لیبرال به عنوان آخرین شکل حکومت انسانی و خلاصه عصر جدید صلح را مطرح نموده است.

۳- «تافلر» که درگیری تمدن عصر ارتباطات و اطلاعات را با تمدن صنعتی و کشاورزی می داند.

۲۶- به سوی تمدن جدید، آلوین و هایدی تافلر، ترجمه محمد رضا جعفری، نشر سپهر، ص ۹۶ و ۹۷.

فصل اول:

مفہوم و حقیقت انظار

انتظار در منظرهای گوناگون:

انتظار از نظر ریشه لغوی به معنای درنگ در امور، دیده‌بانی و نگهبانی و چشم‌انتظاری می‌باشد. با نگاه به ریشه لغت نمی‌توان قدم زیادی به سوی مقصد برداشت. گرچه کمک زیادی در آینده به بحث خواهد داشت. درباره انتظار نظرهایی داده شده است. در کتابی به نام «حلاج^(۱)» که به بررسی مادی‌گرانه درباره شخصیت حلاج پرداخته، در نقد اعتقاد به انتظار چنین می‌گوید:

«انتظار مذهب احتراز است، مذهبی است که منتظر را به گوشه‌گیری می‌کشاند و مانع تلاش می‌شود. این اعتقاد از رویارویی با اهداف و مبارزه در راه

کنار کشیده و در حاشیه می ماند.»

این نظر بدبینانه‌ترین دیدگاه می باشد.

منظر دوم می گویند:

انتظار مذهب اعتراض است، منتظر معترض به وضوح موجود و خواستار وضع مطلوب است. مذهب انتظار مذهبی است که حرف دارد و می تواند کاری انجام دهد. این منتظر به آنچه هست دل نمی بندد و به آنچه که باید باشد می اندیشد. او مهاجم به ظلم است و این اعتراض ریشه در یک مبارزه و «نه» ای تاریخی دارد. (۲) «نه» ای که از سقیفه و از زبان علی علیه السلام شنیده شد. (۳)

پرسشی که در اینجا پیش می آید دو مرحله دارد:

یکی اینکه دامنه این اعتراض تا کجاست؟ آیا تا رسیدن به اهدافی چون عدالت، آزادی، آگاهی و عرفان و یا تا شکوفایی و تکامل و یا... دوم اینکه این اعتراض چه کاری به وجود می آورد و چه باری به دوش منتظر می گذارد و این نفی یا چه اثباتی همراه می شود؟ در مورد پرسش اول باید بگوییم که آرمان دینی و هدف رسالت بالاتر از تکامل و شکوفایی استعداد آدمی است. چون زمانی که انسان به تکامل هم برسد باز مسأله این است که می خواهد در چه جهتی مصرف شود؟ رشد یا خسر؟

این دو مسأله اساسی بعد از تکامل و شکوفایی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

«الناس معادن کمعادن الذهب و الفضة»^(۴) مردم معدن هستند.

مثل معدن طلا و نقره.

استفاده از معادن معدنی سه مرحله دارد:

اول - کشف

دوم - استخراج

سوم - شکل دادن

تا اینجا مرحله کمال و شکوفایی است اما این آهن شکل گرفته که به شکل اتومبیل در می‌آید، جهت می‌خواهد پس مرحله چهارم جهت یابی این معدن، این انسان است. جهت به سوی کیست؟

به سوی پایین‌تر از خود و رضایت به زندگی حیوانی و همین حیات دنیوی؟^(۵)

این تنزل است، سقوط است. انسان با کمترین مقایسه می‌یابد که گرچه در هوش و حافظه و ادراکات حسی و حواس و احساسات با حیوان شریک است اما با عقل و فکر و جرأت و قدرت اراده و انتخاب از حیوان جدا می‌شود. و در نتیجه هدفی برتر می‌یابد.

انسان این زندگی هفتاد ساله محتاج این همه نبود. همان غرایزش

کافی بود که بی دردسر به زندگی ادامه دهد و دغدغه‌ای هم نداشته باشد. چون این فکر و عقل مزاحم اوست و باید از شرش راحت شود تا برای او پرسشی نسازد و مانع عیاشی‌اش نشود. این فکر و شعور است که آدمی را به خودکشی می‌کشاند. در اوج رفاه کشورهای سرمایه‌داری حتی در بهترین و امن‌ترین کشورهای جهان مثل سوئد، آمار خودکشی از همه جا بالاتر است اما اگر حرکت به سوی مساوی و همین اهداف رنگ و وارنگ بشری باشد تنوع است و تنوع در یک پله در جا زدن است و اگر حرکت به سوی بالاتر از خودمان باشد این تحرک است و رشد و بالاتر از من کیست؟

لایذ، آفریننده انسان که حاکم و خالق هستی است. آنچه در نماز آموزش داده می‌شود و در سجده می‌خوانیم:

«سبحان ربی الاعلیٰ و بحمده» پاک است خدای من

که برتر است.

این همان چیزی است که امام علیه السلام سوز آن را می‌زند و هدف حکومت دینی جهت دادن آدمی به این جهت است. به همین دلیل بود که علی علیه السلام در هجوم مردم برای بیعت فرمود:

«لیس امری و امرکم واحد اریدکم لله و انتم ترید

و ننی لأنفسکم»^(۶) هدف من و شما یکی نیست، من

شما را برای خدا می‌خواهم و شما مرا برای
خویشتن او اهداف خودتان.

و مادام که از این هدف امتیاز دهیم زمینه رشد آدمی را محدود،
بلکه نابود کرده‌ایم. این امامت است که بعد از مقام رسالت به این مهم
می‌پردازد و اکنون در دستان پر مهر ولی الله الاعظم امام عصر (عج)
نیز چنین عهدی را باید با او ببندیم.

این هدف بلند برای انسان که رشد او را تضمین می‌کند و از
خسارت‌های روحی، فکری، فرهنگی و اجتماعی نجات می‌دهد
همان چیزی است که دنیای دیروز و امروز و فردا محتاج آن است و در
امامت که همانا تجلی اسلام راستین است تضمین می‌شود. لذا باید
برای این آرمان و این مقصد زمینه ساخت و آمادگی‌هایی را طلب
نمود. آمادگی در:

ذهنیت و تفکر

روحیه

طرح و تدبیر

تربیت نیروها

تشکل و سازماندهی

جاسازی و جایگزینی مستمر

پس این انتظار همواره تقیه و قیام سه مرحله اساسی و سه گام اساسی انقلاب دینی را شکل می دهد. شاید این اصطلاحات دارای قدری ابهام باشند. از آنجا که ما بعد از روشن شدن صف های اعتقادی، دشمنانی خواهیم داشت و به طور یقین درگیری نیز پیش خواهد آمد، پس باید آماده باشیم.

رابطه انتظار و آمادگی:

اکنون ما درگیر با امپریالیزم مسلط و صهیونیزم هستیم و هر روز با توطئه ای رو به رو می شویم. این درگیری حتی با قیام حضرت ولی عصر (عج) ادامه خواهد داشت. چنانکه می دانیم نیروهایی در برابر ایشان به مقاومت خواهند پرداخت بنابراین:

انتظار باید آمادگی به همراه داشته باشد چنانکه دیده بانی دشمن را می باید و این معنا از لغت انتظار نیز استفاده می شود.

این چیزی است که تشیع به ما آموخته که باید در مقام درگیری خودت را در یک مرحله آماده کنی چه در فسادهای فکری^(۷) و چه در قدرت روحی و چه در طرح عملی و سازماندهی و چه در برنامه عملی، در رابطه با عمل این انتظار تشیع است. چون انتظار یک عمل

است. همانطور که در روایت می خوانیم:

«افضل اعمال امتی، انتظار الفرج»^(۸)

این آمادگی فکری با بینات^(۹) شروع می شود. این بینات همان دگرگونی تلقی انسان از خودش می باشد. انسان باید به مرحله ای برسد که به آنچه دارد دلخوش نباشد. او در انتظار چیزی است که می تواند باشد و باید باشد.

این بینات با طرح سؤالی دربارۀ انسان شروع می شود و ذهن حرکت خود را شروع می کند و با مقایسه و شناخت برتری انسان از دیگر موجودات دیگر به اهداف پایین راضی نمی شود و بهترین جهت را انتخاب می کند.

دوستی سؤال می کرد آیا از دیدگاه قرآن انسان از تمامی پدیده ها با فضیلت تر است یا فقط بر بعضی ها برتری دارد؟ چون در این آیه آمده است:

«و فضلنا هم علی کثیر من خلقنا تفضیلاً»^(۱۰)

پس انسان بر تمامی برتری ندارد. در جواب گفته شد:

درست است که انسان در عظمت خلقت بر همه برتری ندارد ولی این انسان برتری و خوبی اش در رابطه با جهت گیری اش تعیین می شود او وقتی که

برتر است که جهت عالی تر را بگیرد، آن وقت این انسان خیرالبریه^(۱۱) می شود و اگر نه شرالبریه، یعنی پست ترین موجودات است. این شناخت عظمت انسان راهی برای شناخت خدا و عظمت اوست چون «من عرف نفسه فقد عرف ربه» و آن کس که به خودش باور نیاورده به خدا هم ایمان نمی آورد و به خسران و زیان گرفتار می شود. قرآن چه زیبا می گوید: «الذین خسروا انفسهم فهم لا یؤمنون» آن ها که خودشان زیان کردند پس ایمان نمی آورند.^(۱۳) شناخت نظم و زیبایی جهان و تاریخ گروه ها و شناخت عامل صعود و سقوط تمدن ها نیز به انسان، بینشی عظیم می بخشد، که دیگر به سادگی از هدف دست نخواهیم کشید. از این گذشته محتاج قدرت روحی هم هستیم که به تعبیر قرآن همان شرح صدر^(۱۴) و ظرفیت است.»

این مهم با ذکر و اطاعت و تقوی و ارتباط و پیوند با خدا و چه با نیایش و چه با قیام شب و چه با قرائت قرآن در انسان ظرفیت و

وسعت صدر را پایه می‌ریزد. انسانی که در مقابل جلوه‌های دنیا و وسوسه‌های شیطان و نفس مقابله می‌کند و بالاتر از این‌ها، به شبهات پاسخ می‌گوید و در برابر بدعت‌ها مقاومت می‌کند و بدعت‌گذاران را رسوا می‌نماید.

در مرحله سازماندهی و مدیریت نیز ولایت فقیه کارساز است. زیرا ولایت و حکومت امری لازم و ضروری است. در نهج البلاغه آمده است: «انه لا ید للناس من امیر بر او فاجر»^(۱۵) (هر جامعه رهبری و حکومت می‌خواهد چه خوب باشد چه بد).

اما ولایت فقیه هم نصوص معتبر دارد و اگر کسی به نصوص هم قانع نشود بازار انتخاب و وکالت و از بنای عقلاء و قراردادهای اجتماعی و ادله حسبیه اثبات حاکمیت ملت و انتخابات ملت است. مخالفین ولایت فقیه باید بدانند که هیچ مکتبی بدون فقیه و هیچ ایدئولوژی بدون ایدئولوگ ادامه نمی‌یابد. تاریخ فقاہت، تاریخ مکتب و مذهب است.

این حرف که دیگران در شرایط امروز ایران بهتر می‌توانند کارگشا باشند یک شعار و یک فریب است ولی این حرف که همین مسئولان می‌توانند بهتر از این کار کنند این مطلوبی است که مقام معظم رهبری حضرت آیه‌الله خامنه‌ای حفظه الله تعالی هم از آن‌ها می‌خواهد و

حتی راه انتقاد را نشان می‌دهد.

از این حرف گذشته این هم یک سؤال است که من و تو در برابر کمبودها و نارسائی‌ها چه باید بکنیم.

تضعیف کنیم؟ توجیه کنیم،

یا به تکمیل برخیزیم؟

حقیقت این است که تضعیف خیانت است و توجیه حماقت و

تکمیل رسالت ماست.

تقیه:

اما منظور از تقیه چیست؟

مؤمن منتظر، شاید به خاطر شرایطی ساکت باشد اما ساکن

نیست. بنابراین تقیه سکون نیست حرکتی دقیق است به خاطر شرایط

گوناگون.

این است که امام علیه السلام فرموده‌اند:

«تقیه دین من و پدران من است.» (۱۶) اما امروز در

شرایط انتظار چگونه مرحله دوم حرکت است؟

این آشکار است که دین ما مزاحم دنیای ابرقدرت‌هاست و آن‌ها

روش‌های گوناگونی را برای نابودی ما به کار گرفته‌اند. پس ما با آن‌ها

خواهی نخواهی درگیر هستیم. اما نمی‌توانیم مبارزه را در داخل کشور محدود کنیم. آنچه در داخل از میان می‌رود، شاخه‌ها و برگ‌هایی هستند که مدام جای‌شان سبز می‌شود.

برای درگیری با ابرقدرت‌ها باید در خود آن‌ها نفوذ کرد و امکان چنین نفوذهای هست؛ چرا که مسلمان‌های چندین میلیون نفری در کشورهای همسایه و مغزهای پراکنده در کشورهای غربی هر کدام می‌توانند دستاویزی برای ایجاد کنترل و درگیری در داخل آن کشورها باشند، و آن‌ها را از درون متلاشی نمایند.

مادام که قدرت‌ها در داخل گرفتار نشوند در خارج امتیاز نخواهند داد و از میدان به در نخواهند رفت. مذاکره هنگامی امتیاز آفرین است که تو گلوی دشمن را فشرده باشی، و اگر نه او جز منافع خودش دیدگاهی ندارد. و به راحتی تو را وجه‌المصالحه قرار می‌دهد.

علی علیه السلام فرموده است:

هیچ‌کس در درگاه خانه‌اش نجنگید مگر هنگامی
که دلیل بود.

و در سوره احزاب هم هست:

آن‌ها که در جایگاه خویش می‌جنگند دوامی
نخواهند آورد. (۱۷)

پس تقیه یعنی نفوذ در دشمن و تضعیف او، این تقیه و پنهان کاری تشیع است و پس از این دو مرحله، مرحله ظهور و قیام خواهد بود که ظهور تشیع است.

آنجا که قدرت های خارج برپا ایستاده اند و در تو نفوذ کرده اند و هر روز ما را در جایی درگیر می کنند و با گروهی سرشاخ می سازند، اگر کوه هم باشیم از هم می پاشیم.

قیام، گام سوم بعد از انتظار و تقیه است. یا این قیام انقلاب تحقق می یابد ولی حفظ و توسعه آن به عهده ماست. (۱۸)

حفظ و نگهداری از نفوذ دشمن و آفت های گوناگون و توسعه در سطوح مختلف جامعه و در مناطق و جوامع دیگر با این گام ما به مقصود رسیده ایم ولی کار سنگین شده است. چون تا دیروز دشمن مشغول بود و دست ما باز بود و امروز ما مشغولیم و دشمن می تواند آفت افشانی کند و در میان دوستان دشمنی بیندازد و آنهایی را که تا دیروز بی امان می کوشیدند به خرابکاری بی امان بکشاند، و کسانی که بدی را بد انجام می دهند خطرناک هستند خوبی های خود را با بدی پاک می کنند و نفس آخر را به رسوایی می کشند.

اینها مشکلات کنونی و آینده انقلاب هستند. پس باید در چند

موضوع خوب کار بشود:

- ۱- مبانی و اهداف
- ۲- فتنه‌ها و موانع
- ۳- روش تربیت و بالندگی انگیزه‌ها
- ۴- شکست و پیروزی
- ۵- صلح و پیمان
- ۶- مشکلات و پیامدها

ما از تحلیل این مباحث به سرعت گذشتیم. ولی ناچار بودیم که حداقل طرح مسأله شده باشد. چرا که ما اکنون با همه موفقیت‌ها دچار مسائلی چون سودجویی‌ها و رشوه و اختلاس و یارگیری‌ها و زد و بندها هستیم. چنانکه رهبر معظم انقلاب حضرت آیه‌الله خامنه‌ای (حفظه الله تعالی) خود هشدار شکل‌گیری طبقه جدید را داده‌اند.

در کنار این جریان فرصت طلب و منحرف، جریان فداکاری وجود دارد که حساس و پرتوقع و منتظر است. او می‌بیند و اعتراض می‌کند. راه این نیست که سهمی به آن‌ها داده شود و این دل‌های پاک نیز آلوده شوند. به هر حال باید سه مرحله را در مشکلات حل کرد:

اول: شناسایی

دوم: محاصره

سوم: کنترل (۱۹)

در این مبحث تحلیل گسترده‌تری از انتظار ارائه می‌گردد و طرح مباحث فرعی به زمان دیگری واگذار می‌شود.

با مقدماتی که گذشت انسان منتظر با آن شناخت از مقصد انسان با دست‌یابی به امنیت و آزادی و رفاه که آرمان‌های انسان معاصر و شاید خود ما هم باشد، آرام نخواهد گرفت.

این آموزش قرآن است که اهداف ما را محاکمه نموده می‌گوید:

«اترکون فی ما ههنا آمنین؟...» آیا رها شده‌اید

آزادی که در نعمت‌های اینجا امن و امان بمانید؟

(امنیت) و در باغ‌ها و چشمه‌ها و مزارع و

نخلستان‌هایی که میوه شیرین و رسیده دارد و از

کوه‌ها برای خودخانه بتراشد به خاطر شادکامی

(رفاه)؟ (۲۰)

آری در قرآن عظیم این اهداف برای انسان حقیر و کم‌شمرده شده

و کسانی که همراهی حجت و همگانی محمد ﷺ و آل محمد ﷺ را

می‌خواهند نمی‌توانند در این سطح قرار بگیرند و تا این حد آرام

باشند.

البته انسان معاصر چه بسا بتواند با تکیه بر علم و عقل و عرفان (۲۱):

بدون نیاز به وحی و مذهب تا این مرحله گام بردارد و با عقل جمعی و گزینه جمعی به این مهم نایل آید؛ اما ما که از ضرورت وحی و اضطرار^(۲۲) به حجت و انتظار حجت دم می‌زنیم باید از اول حساب را روشن کنیم.

زیرا ما مدعی هستیم که بافت و ساخت انسان و جهان، با این سطح از رفاه و امن و رهایی سازگار نیست. تحول نعمتها (که جوانی به پیری و توان به ناتوانی و سلامتی به مرض می‌انجامد) و محدودیت‌ها (که همه تمناها جایگاه ندارد!) خود آگاهی و مرگ آگاهی (که آدمی را در متن خوشی به یاد مرگ می‌اندازد و تدای جرس فریاد می‌دارد و که برنندید محمل‌ها) این‌ها همه، آدمی را در متن رفاه راحت نمی‌گذارد و در شب عروسی به ذکر عزا و بارهای سنگین فرداها می‌اندازد.

در برابر چنین مقدمه‌ای وقتی از قدر و عظمت انسان آگاهی یافتیم و شناختیم که آدمی بعد از مرگ استمرار دارد (معاد) و در این جهان نیز دارای ارتباط‌های پیچیده با عوالم مشهود و غیب است، و اگر ما برای این چنین وسعتی دنبال طرح و تدبیر و تربیت و تشکل باشیم، ناچار انتظار ما از حجت خدا و انتظار ما برای او علیه السلام شکل دیگری می‌گیرد و انتظار ما در جایگاه خود می‌نشیند.

پی نوشت ها:

- ۱- این کتاب از شخصی به نام «علی میر فطروس» می باشد که قبل از انقلاب چاپ شده و نویسنده دیدگاهی ماتریالیستی تاریخی داشته است.
- ۲- «انتظار، مذهب اعتراض»، نوشته دکتر علی شریعتی.
- ۳- در جلسه ای که بعد از مردن خلیفه دوم گرفته می شود به حضرت علی علیه السلام می گویند اگر بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله عمل کنی با تو بیعت می کنیم. امام علیه السلام می فرماید: «بر اساس کتاب خدا و سنت پیامبر بله! اما سیره شیخین نه! و آن ها که جواب امام علیه السلام را از پیش می دانند، توپ خلافت را به تعبیر ابوسفیان در دامن عثمان می اندازند.
- ۴- نهج الفصاحة.
- ۵- ارضیتم بالحیوة الدنیا؟ (قرآن کریم، سوره توبه، آیه ۳۸)
- ۶- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۶.
- ۷- در همین راستای می بینیم امام صادق علیه السلام می فرماید: «تو جوانان خود را حدیث پیاموزید تا مرجئه پیشی نگیرند و آنان را گمراه نسازند. (مرجئه کسانی بودند که گویند ایمان امری قلبی است و عمل نقشی ندارد.) اصول کافی، ج ۶، ص ۴۷
- ۸- منتخب الاثر، ص ۴۹۹.
- ۹- سوره حدید، آیه ۲۵ و بسیاری آیات دیگر.
- ۱۰- سوره اسراء، آیه ۷۰، (آدمیان را بر بسیاری از آنچه آفریدیم برتری دادیم.)
- ۱۱ و ۱۲- سوره بینه.

۱۳ - سورة انعام، آیه ۱۲.

۱۴ - سورة انشراح.

۱۵ - نهج البلاغه، خطبه ۴۰.

۱۶ - حتی خود امام علیه السلام در دیدار علی بن مهزیار به آن گرامی فرمودند:

اکنون من در تقیه به سر می برم تا روزی که خداوند اجازه دهد

و قیام کنم.

(بحار، ج ۵۲، ص ۴۵)

۱۷ - «و ما تلبثوا بها، الا یسیراً» سورة احزاب، آیه ۱۴.

۱۸ - علامه طباطبایی به یکی از دوستان خویش که قبل از انقلاب فعالیت

می کردند فرموده بود: اسقاط حکومت اهون (ساده تر) از نگهداری آن

است.

۱۹ - هنگام مطالعه درباره مباحث این کتاب در یکی از کتابخانه های شهر

مقدس قم به مجموعه کتاب هایی تحت عنوان «درس هایی از انقلاب»

برخورد نمودم که توسط انتشارات هجرت قم به چاپ رسیده بود. در این

مجموعه کتاب ها از سه مرحله ای که ذکر کردم (شناسایی، محاصره،

کنترل) تحلیل مناسب و جالب توجهی ارائه شده بود. با توجه به عدم

ظرفیت این نوشته و کمبود فرصت دوستان خواننده را به مجموعه دوازده

جلدی درسهایی از انقلاب ارجاع می دهم.

۲۰ - سورة شعراء، آیات ۱۴۶ - ۱۴۹.

۲۱ - این نوع عرفان بدون مذهب شیعه عرفانی است که سرخپوستی نامیده

می شود و کاستاندا معرف آن است. و گونه ای دیگر از آن در آثار «پائولو

کوئیلو» پرتغالی و کتاب «پیشگویی های آسمانی» اثر «جیمز ردفیلد» به

چشم می خورد.

۲۲ - اضطرار به حجت می گوئیم و نه فقط احتیاج، چون در روایات امام مثل

قلب معرف شده، ولی قلب نمی توان زیست.

فصل دوم:

ریشه‌های انتظار

۱) ظلم و جنگ و جهل و فقر:

انتظار می‌تواند در این موارد یا در فریبکاریها و نکبت‌ها، ریشه داشته باشد.

آدمی می‌تواند امنیت و صلح و قسط و آگاهی و حکمت و بی‌نیازی و غنا و آرامش و قرار قلبی را توقع داشته باشد و اگر در واقعیت موفق نشد به رؤیا، به تخیل و به هنر دل ببندد و یا در راه تحقق اینها گام بردارد و کار کند و آماده شود.

انتظار درست، زمینه‌سازی مناسب است چه موفقیت تحقق یابد و یا شکست روی نماید و یادگیری ادامه یابد. چرا که مؤمن علوی در انتظار نتیجه نیست. او به تکلیف می‌اندیشد و در حدیث آمده است: «مؤمن علوی مجاهد است، در دولت باطل ما تقیه و

در دولت حق با شمشیر می‌جنگد».

می‌بینیم که وقتی یکی از یاران امام صادق علیه السلام می‌گوید امر شما کی تحقق می‌یابد؟ امام علیه السلام می‌فرماید:

«تو هم از اصحاب دنیا هستی؟»

یعنی اگر دنبال رسیدن به مقاصد دنیایی خودت هستی از این مقصد مهم دوری. چون همراهی با قائم آل محمد (عج) با امتحان و مشخص شدن و غربال شدن افراد نشان داده شده است^(۱).

گرچه در زمان ظهور، نوید رفع گرفتاریها و نکبت‌ها و قدرت دوستداران آل محمد علیهم السلام و سرسبزی و امنیت داده شده است^(۲).

به هر صورت انتظار به معنای آمادگی و تهباً، ملازم با پیروزی و موفقیت نیست. «إحدى الحسنین»^(۳) است. یعنی یکی از خوبیها، رفتن مساوی با شهادت و ماندن مساوی با مبارزه و جهاد. نتیجه این که این نابسامانی‌ها یکی از اساسی‌ترین ریشه‌های انتظار عمومی است و عمومی مردم بیشتر با این نابسامانی‌ها تحریک می‌شوند و سر بر می‌دارند.

۲ - ساخت و بافت انسان:

ریشه دوم انتظار، در ساخت و بافت انسان و جهان چهار فصل و

متحوّل نهفته است.

آدمی دلی دارد که با شهادت این عالم تأمین نمی‌شود این دل بزرگتر از محدوده زندگی است. پس شهود عالم او را به آرامش نمی‌رساند. لذا گرایش به غیب دارد^(۴) بیهوده نیست که خداوند سبحان فرموده است:

«مرا زمین و آسمان در بر نمی‌گیرد ولی قلب بنده مؤمن گنجایش مرا دارد»^(۵)

این دل بزرگ با گرایش به غیب، به انتظار روی می‌آورد و در واقع ارتباط ایمان و غیب، در انتظار است.

این ایمان به غیب بر چهار عامل تکیه دارد. دوتای آن معرفتی و شناختی است. یک، شناخت قدر و اندازه وجودی انسان که امام علی علیه السلام فرمود:

«کفی بالمرّة جهلاً أن لا يعرف قدره»^(۶) (برای نادانی شخص همین بس که قدر خویش را نشناسد).

زیرا شناخت است که به ارزشهای جدید و هدف‌های جدید و به برنامه‌ریزی، و تقدیر جدید، تدبیر، مدیریت جدید، تربیت، آموزش جدید، تشکیل و سازماندهی جدید می‌انجامد.

علت روش‌ها و برنامه‌های محدود که به بن‌بست انسان در غرب

رسیده همین شناخت محدود از قدر آدمی است. تعریف آنها از آدمی یک حیوان باهوش است. در نتیجه منتقدین تمدن کثونی از خود متفکرین اروپایی به انسانی توجه می دهند که در جستجوی معناست. (۷)

اگر چنین بینش و برداشت عمیقی از انسان داشته باشیم که واقعیت هم همین است، این در همه ابعاد زندگی و برنامه ها تأثیر می گذارد و از همه مهم تر در خود انسان که با این شناخت و با احتمال دنیاهای گسترده تر و احساس محدودیت و تنگنا در این دنیای موجود، کسی که از وسعت عالم باخبر می شود آرام نمی گیرد و هجرت می نماید.

با این معرفت است که حدیث «الدنیا سجن المؤمن»^(۸) معنی می شود. دنیا زندان مؤمن است، زیرا او به آنچه هست قانع نیست و این حس پرواز و محدودیت ها به او احساس یک زندانی می دهد. برخلاف کسی که به خوردن و خوابیدن دلخوش است و دلی به وسعت یک استکان هم ندارد او دیواری را نمی شناسد، زیرا که حرکتی نداشته است.

۳ - کنجکاوی و احساس بی‌قراری

عامل سوم کنجکاوی و احساس بی‌قراری آدمی است که سر از پنجره هستی بیرون می‌آورد و بر دیوارها می‌کوبد تا حصارها را بردارد. اگر این کنجکاوی نبود، رشدی در علوم و دانشها نبود. در اندرون من خسته دل ندانم چیست که من خموشم و او در فغان و در غوغاست (۹).

۴ - انفجار نیروها:

عامل چهارم انفجار نیروهاست، شبیه حالتی که در اوائل بلوغ برای جوان روی می‌دهد، که مشت بر دیوار می‌کوبد و بنا هر چیز درگیر می‌شود و چه بسا که نمی‌داند چه اتفاق افتاده است. ولی رویش جدید و تپش جدیدی را زیر پوست و همراه هر ذره از وجودش احساس می‌کند.

این تلقی از انسان او را به غیب، به روز دیگر، به الله و به وحی گره می‌زند و دل به حجّت خدا می‌بندد و از انتظار تفسیر جدید و عمیقی می‌کند که حتی در متن رفاه، عدل، و در متن سامان و فراغت، آدمی را بی‌قرار و منتظر می‌سازد، و در متن نظم نوین جهانی و با دست یابی هر فرد به سیستم‌های پیشرفته، باز انسان را به غربت، به دیوار و حتی به

التهاب و دلهره گره میزند.

زیرا او می‌داند که از این همه رفاه و عیش و راحتی باید جدا شود. چرا که تحول نعمت‌ها را می‌شناسد. محول الحول و الاحوال را می‌بیند. اگر چنین نیست چرا هر روز در آمریکا و اروپا و سوئیس و سوئد گرایش‌های سریع به اسلام را می‌بینیم؟ و می‌نگریم که با کمترین آگاهی قشرهای گوناگون شیفته دین می‌گردند و با عشق از اسلام خویش می‌گویند و برای حفظ حجاب خویش در برابر دولت می‌ایستند.

اسلام آوردن مردانی مثل حامد الگار، روزه‌گارودی، روزه پاسکیه «احمد هوبر» و دیگران نشان این احساس است.

احساس غربت در مقابل معنویت و صمیمیت دین، اساس گرایش انسان مقتدر و دانشمند و مسلط را به مذهب توضیح می‌دهد چون بر فرض حیرت‌زدائی علم و اشتغال به قدرت و صنعت، آدمی با این امکانات زودتر به محدوده‌ها می‌رسد و دیوارها را تجربه می‌کند و احساس غربت و تنهایی فریادش را بلند می‌کند. در اینجا ذکر چند نمونه خالی از لطف نخواهد بود.

۱-۴ - نمونه‌ها:

الف) اوژن یونسکو

نویسنده مشهور نمایشنامه‌های پوچی مثل «کرگدن» و «آوازه خوان طاس» که عمری را در تبلیغ و ترویج فلسفه پوچی گذراند در آخرین مصاحبه‌ها می‌گوید:

«... حقیقت این است که ادبیات دیگر چیزی مهمی به من نمی‌گوید، همچنان‌که مؤمنی ممکن است بگوید، ادبیات روح را نجات نداده است^(۱۰) من از مدت‌های مدید به ویژه از چند سال پیش به این طرف کسی هستم که کوشیده است درک نشدنی را درک کند و از حدود نامحدود بگذرد. وقتی انسان جهتی روحانی، جهتی که شکیبایی است ندارد. من جهان برین را طلب می‌کنم. می‌کوشم خدا را بجویم... من یک عمر آزرگار، به نوشتن نمایشنامه پشت نمایش‌نامه ادامه دادم. چون نمی‌توانستم کار دیگری بکنم. اما همیشه حسرت این را داشتم که کاش توانسته بودم کار دیگری بکنم... کاش

استعدادش را داشتم که راهب بشوم... من اغلب این جمله آن فیلسوف آلمانی را با خودم تکرار می‌کنم: چرا چیزی بیش از هیچ وجود دارد؟ بنابراین چگونه وجود را می‌پذیریم؟

همین که وجود پذیرفته شود دومین سؤال بزرگ مطرح می‌شود:

چرا بدی بر خوبی می‌چرد؟ این نبرد از ابتدای تاریخ به این طرف دوام دارد و پایان نمی‌پذیرد. تنها یک امید باقی می‌ماند: روز رستاخیر^(۱)

ب) ناتانیل براندون

وی در کتاب «انسان بدون خویشتن» اول مردی را توصیف می‌کند که جذاب، چهل ساله، با حرارت و پر انرژی، شیک، خوشگذران و همه سر حریف و به اصطلاح متجدد است. از مسافرتها و عیاشی‌هایش تعریف میکند اما ناگهان با همه توصیفات در خواست گفتگویی خصوصی و صمیمانه را می‌کند و می‌گوید:

«ناتانیل! من می‌خواهم هرطور هست با تو مطلبی را

در میان بگذارم، می‌خواهم یک روز نهار را با هم

صرف کنیم تا پیش تو درددل کنم من نمی‌توانم این

خلاً درونی خود را تحمل کنم.»

سپس دستش را روی سینه گذاشت و گفت:

«این درون، خالی و تهی از همه چیز است، هیچ چیز

در این سینه نیست. نه احساس و نه هیچ چیز

دیگری. زبانم از گفتن قاصر است. قابل بیان نیست!

نمی‌دانم چگونه آن را شرح دهم.

می‌دانی چه می‌گویم؟

با تو در مورد آن درد دل کنم» (۱۲)

ج) ماجرای «فاطمیما»

داستان از این قرار است که هفتاد و دو سال پیش و در هنگامه

مارکسیم و الحاد ناگهان در محلی نه چندان معروف در پرتغال شبیحی

سفیدپوش برخواهر و برادری چوپان ظاهر می‌شود و دستور ساختن

معبدی شفادهنده را می‌دهد. این خبر به واتیکان رسانده می‌شود. اما

پشت گوش انداخته می‌شود و سرانجام با پی‌گیری اهالی پس از هفده

سال تأخیر معبدی ساخته می‌شود که بزرگترین اجتماعات و

همایش‌های کاتولیک‌ها در آنجا برگزار می‌شود و هر سال از دهم ماه

می تا سه روز کیلومترها راه را با زانو طی می کنند تا به معبد فاطیما برسند و شفا بگیرند.

این مطالب در ویرایش سال ۱۹۶۷ فرهنگ "world book" در ذیل لغت (۱۳) "our lady Fatima" ذکر شده است. فیلم و اخبار این موضوع که برخی آن را از معجزات حضرت فاطمه سلام الله علیها می دانند از طریق رسانه ها و وسائل ارتباط جمعی چون نشریات و صدا و سیما پخش شد. (۱۴)

این ها و هزاران نمونه دیگر، نشانه این صدای طالب حقیقت است. ذکر این مسأله نیز جالب توجه است که ریشه دیگر انتظار در دعوت ها و هدایت هایی که به طور مستمر و در قطعه قطعه زمان و فصل فصل تاریخ آدم هایی را بیدار می کند و صدا می زند و به دیوار می رساند و از جام ملاقات سرشار می سازد.

این سنت خداست که در متن غفلت، ضجه بیداری و فریاد و دعوتی بلند می شود، چرا که «ان الله بالغ امره» (۱۵) آری خداوند حرف خویش را می رساند.

شما می بینید که در متن گرایشهای الحادی و مادی کشش های جدیدی شکل گرفته و آدمی با طرح هایی از قدرت های روح و روان با گوشه هایی از روابط مجهول و تسخیرهای غیرطبیعی (۱۶) و نمودهایی

از توانمندی انسان، آشنا می‌شود که هنوز بودنش را نمی‌شناسد ولی از نمودش و آثارش می‌تواند بهره بگیرد و استفاده ببرد. در تاریخ در متن انکارها، دوباره رستاخیز در داستان بازگشت اصحاب کهف مطرح می‌شود.

این رگه‌های دعوت در متن غفلت، و این جلوه‌های هدایت در دل دیجور شبهای ظلمات، ریشه‌های انتظار را آبیاری می‌نماید و بارور می‌سازد.

این همه کتاب و داستان‌های ملاقات با مردی که ویژگی‌های مهدی علیه السلام فاطمه علیها السلام را دارد، و یا مردانی که با او هستند، و از او بهره می‌گیرند، از این هدایت و دعوت حکایت می‌نماید. (۱۷)

پی نوشت ها:

- ۱- «لابد للناس من ان يمحضوا ويميزوا و يغربلوا». الغيبة شيخ طوسي، ص ۱۰۸
- ۲- مشکوة الانوار، ص ۸۰
- ۳- قرآن، سوره توبه، آیه ۵۲.
- ۴- سوره بقره، آیه ۲ (يؤمنون بالغيب).
- ۵- حديث قدسي.
- ۶- نهج البلاغه، كلمات قصار.
- ۷- انسان در جستجوی معنا، وكتور فراتكل، ترجمه دكتور اكبر معارفي.
- ۸- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
- ۹- شعر از حافظ است.
- ۱۰- «از پوچی تا خدا» ترجمه سعید شهرتاش.
- ۱۱- همان.
- ۱۲- انسان بدون خویشتن «ناتانیل براندون» ترجمه جمال هاشمی صفحات ۱۷-۱۸.
- ۱۳- بانوی ما «فاطمیما».
- ۱۴- بیش از ۸۰۰ نفر از ۱۳ کشور جهان به مناسبت هشتادمین سالگرد (۲۱ مهر) واقعه فاطیما در کنگره بین المللی ویژه ای در محل عبادت گاه فاطیما در پرتغال شرکت کردند. گفته می شود که شخصیت مقدسی به نام فاطیما برای نخستین بار در ۱۳ مه ۱۹۱۷ بر سه خواهر چوپان پرتغالی ظاهر شده

و خود را دختر محمد ﷺ پیامبر اسلام معرفی کرده است. عکس ماهواره‌ای امروز کیهان مراسم این کنگره را نشان می‌دهد. (۱۹۹۷ میلادی).

۱۵- سوره اطلاق، آیه ۳.

۱۶- کارهایی که از حوزه مرتاضان هند گذشته و در اروپا دنبال می‌شود، و نشانه قدرت‌های روحی و روانی انسان است.

۱۷- رجوع کنید به:

الف) نجم الثاقب، نوشته مرحوم نوری ظبرسی «ره» از انتشارات مسجد مقدس جمکران.

ب) «بحار الانوار» نوشته مرحوم علامه مجلسی «ره» ج ۱۳ «قطع رحلی» که ترجمه آن تحت عنوان «مهدی» موعود به چاپ رسید است.

ج) ... و آن که دیرتر آمد. نوشته خانم الهه بهشتی (از انتشارات مسجد مقدس جمکران)

د) سرود سرخ انار، نوشته خانم الهه بهشتی (از انتشارات مسجد مقدس جمکران)

امیر انصار

کسی که انتظار حضرت مهدی علیه السلام را دارد، بی تفاوت بی خیال و بی توجه بی مسئولیت نیست.

انتظار در حالت، در رفتار و عمل تأثیر می‌گذارد.
منتظر آدابی را حتی ناخواسته باید دنبال کند.

در این مبحث می‌توان به اشتباهاتی که در باب انتظار می‌شود هم اشاره داشت. اصرار بر دیدن امام علیه السلام چه در خواب و بیداری یکی از اهدافی است که به تنهایی موضوعیت ندارد. گرچه اگر کسی به چنین توفیق بی‌ظییری برسد زهی سعادت! اما هدف نمی‌تواند باشد.

بارها دیده شده که کسانی به مسجد جمکران آمده و نذر خود را انجام داده و به دفعات متعدد هر شب چهارشنبه موفق به حضور در مسجد گردیده‌اند، اما شاکی بوده‌اند که پس چرا امام علیه السلام را ندیدم. در

حالی که باید گفت:

«این یارب یارب تو لیبیک ماست.

همین که توفیق پیدا کردی لطف است؛ اما مقصد، هرگز دیدن نیست. یا در موردی دیگر ما در شهیدی از یکی روحانیون سؤال نموده بود:

- من فرزند شهیدم را در خواب می بینم ولی آزرده و غمگین است. چرا؟

برادر طلبه از ایشان پرسیده بود:

- آیا به کسی بدهی نداشته است؟

مادر پاسخ می دهد:

- خیر!

ولی ناگهان ما در شهید گفته بود:

- اما من چون خیلی علاقه به دیدار امام زمان علیه السلام دارم به صورت

مردان نگاه می کنم، تا شاید امام را دیده باشم.

برادر طلبه گفته بود:

- این جواب خواب شماست. شما با یک کار غیر شرعی

می خواهید به دیدار کسی همه وجودش اطاعت و تسلیم خداست

موفق شوید؟ شاید شهید در خواب با حُزن خود در صدد ابراز

ناواحتی خود از این عمل شماست.

به هر حال ادب انتظار صورت‌های دیگری دارد که به ترتیب

عبارتند از:

اول: توجه

دوم: عهد

سوم: انس

چهارم: توسل

پنجم: آماده باش

که این‌ها از منتظر جدا نخواهند بود.

اول: توجه

روی آوردن و وجاهت یافتن در مفهوم توجه نهفته است. چگونه

می‌شود که ما به دلدار و به قبله‌ای و یا محبوبی روی می‌آوریم؟

و سؤال دیگر اینکه چگونه می‌شود با این توجه، وجاهت و

آبرومندی بگیریم؟

این هر دو سؤال در بررسی توجه نقش دارد. آنچه که باعث

می‌شود تا به محبوبی روی آوریم و به او دل ببندیم حاصل یک تجربه

است. تجربه زیبایی و شکوه و جمال (جمال و جلال و کمال) یک

شخص است. وقتی محبت و عنایت او را می بینیم در مقام مقایسه او با دیگران و حتی با خودمان می پردازیم و زمینه برای انتخاب و شناخت اهمیت ها ایجاد می شود.

هنگامی که محدودیت و نقص و خشونت و ضعف و زشتی چیزی یا کسی را می شناسیم و تجربه می کنیم، این باعث روی برتافتن و روی گردانی می شود. همین بررسی و تجربه است که وسیله ای برای زهد و آزادی و رهایی از تعلقات و علاقه های حقیر می شود. تعلقاتی که با عادت و غریزه و یا تلقین در وجود ما ریشه کرده است.

توجه به مهدی علیه السلام که در این زمان دعا می خوانیم «انا توجهننا واستشفعنا و توسلنا بك الی الله»^(۱) از آنجا شکل می گیرد که ما محبوب های دیگر و رهبران دیگر را تجربه می کنیم و به ضعف ها و محدودیت ها شناخت پیدا می کنیم.

ما در تاریخ به استثناء تجربه کوتاهی^(۲) پستی ها و زشتی هایی را سراغ داریم و رهبرانی را می بینیم که از مردم پل می سازند. آن ها نمی خواهند خلق خدا به رفعتی برسند؛ فقط می خواهند کارهای یشان پیش برود و سامان بگیرد.

آری ما می بینیم که انسان در دست های کوچک و آلوده و حوض کوچک جایی ندارد و حتی رهبران پاک خود به مهدی علیه السلام دعوت

می‌کنند^(۳)؛ زیرا خود از سفرهٔ آنان بهره‌مند شده‌اند. آدم‌هایی که توسعه یافته‌اند و پوسته‌ها و دیوارها را شکسته‌اند نمی‌توانند دوباره به زندان‌ها بازگردند و نمی‌توانند سر بر دامان کسانی بگذارند که زندانبان آن‌ها هستند محدودیت با توسعه سازگار نیست؛ استثمار با رشد سازگار نیست. این معرفت ما را با مهدی علیه السلام گره می‌زند.

توجه به مهدی علیه السلام این رشد و این توسعه را می‌طلبد. کسی که سر در لاک تعلق‌ها و بُت‌ها دارد نمی‌تواند به مهدی علیه السلام روی بیاورد و نمی‌تواند که همراه حجت بیاید و نمی‌تواند که دوام بیاورد. از میان راه می‌برد و به خاطر تعلق‌ها می‌ماند.

در نجف آن وقت که بیش از یک قلعه و آب شور و وادی گرم چیزی نداشت و در آن وقت که جایگاه عابدها از دنیا گذشته‌ها و دست شسته‌ها بود، کسانی جمع بودند که از خود می‌پرسیدند چه شده با اینکه ما به اندازه یاوران امام علیه السلام هستیم و سر بر فرمانیم و به این گوشه گلیم انداخته‌ایم، امام خروج نمی‌کند و ظاهر نمی‌شود.

این مسأله رفته رفته جا باز کرد و ذهن‌ها را گرفت و آن‌ها را به جواب خواهی کشاند و این بود که کسانی را از میان خود انتخاب کردند و از آن‌ها هم یک نفر را بیرون کشیدند که بهترین باشد و برای حلّ داستان روانه کردند.

این گل سرسبد همین که از قلعه بیرون آمد و به وادی رسید از کنار وادی به خواب یا مکاشفه دید که به شهری رسیده، پرسید و به دست آورد که شهر امام علیه السلام است. اشکش جاری و شوق و التهابش به جایی رسید که خود را نمی شناخت. اجازه اش نمی دادند... تا اینکه اجازه بگیرند. بیچاره می تپید که مبادا راهش ندهند ولی راهش دادند و اجازه خدمت خواست، بارش دادند و به امام رسید. با شورها و گلایه ها و زمزمه و شوقها و از انتظارها گفتن و از دوست به دوست نالیدن...

تفقدی از امام علیه السلام دید و بشارت شنید که ظهور نزدیک است. در خانه ای منتظر ماند تا خبرش بدهند و راه بیفتد. در این خانه برایش همسری انتخاب کردند. همسری که دریا را می مانست و آبشار را و نسیم را و طوفان را، دریا را در چشمش و آبشار در گیسوانش و نسیم در حرکانش.

آنسی بین آن دو ایجاد شد ولی هنوز ناکام بود که صدای شیپورها بلند شد و بر در کوبیدند که خواجه کی به در آید. با التهاب، سرخورده بر در ایستاد و شنید که احضارش می کنند. گفت: آمدم... هان آمدم... بروید که رسیدم...

دوباره به خانه آمد که مقصودش حاصل شود و هنوز در آتش

می سوخت که بر در کو بیدند: یا الله... بر در دروازه ایم و آماده برخیز!...
با زبانی گره خورده گفت:

بروید که گفتم می رسم...

و داخل شد و هنوز جز آتش و سوز چیزی نچشیده بود که دوباره
به راهش انداختند و صدایش کردند. او خروشید:

که مگر امام وقت شناس نیست!... گفتم بروید می آیم... این را
گفت و خود را در میان قلعه دید... و دیگر هیچ...

آری کسانی هستند که همراهی و معیت ولی خدا را می خواهند و
دعا می کنند:

و اجعل لی مع الرسول سبیلاً (۴) خدایا راهی برای همراهی رسول
برایم قرار ده، اینها خواسته‌ای بالاتر از کسانی دارند که راهی به سوی
رسول می خواهند و می گویند و اجعل لی الی الرسول سبیلاً. راهی به
سوی رسول یافتن. با همراه رسول ماندن و از او جدا نشدن و در چند
راهی خواسته‌ها از او بریدن، برابر نیست.

همراهی رسول، همراه بودن در اهداف رسول را می خواهد. وقتی
که به هدف‌هایی کوتاه‌تر از اهداف رسول دل بسته‌ایم ناچار از رسول
جدا می شویم و ناچار از ولی خدا و حجتش جا خواهیم ماند.

همان‌طور که آن سوار در عصر عاشورا و در هنگام تنهایی امام

حسین علیه السلام از او جدا شد و سوار بر اسبی که در میان خیمه‌ها پنهان کرده بود و آن را از تیرها و نیزه‌ها محفوظ داشته بود، بتاخت و از حسین علیه السلام روی برگرفت او توجیه هم داشت که بله! من با امام علیه السلام برای نصرت و یاری‌اش بیعت کردم و در چنین شرایطی دیگر نصرتی کار آمد نیست. اکنون مرگ است و شهادت پس باید به سوی زندگی رفت. (۵) و برای خوردن و خالی کردن و مشک کثافت (۶) را به دوش کشیدن، پس سوار بر اسب تاخت برداشت و خیمه زندگی تکرار را برافراشت.

توجه به مهدی علیه السلام، تجربه بُن بست‌ها و احساس تنگناها را می‌خواهد. اما برای کسی که هنوز دنیا وسعت دارد، در خیمه مهدی جایی نیست.

برای کسی که اهدافی حتی تا سطح آزادی و علامت و عرفان و تکامل دارد برای همراهی و معیت مهدی علیه السلام ضمانتی نیست. چرا که اگر اهداف پائین‌تر داشته باشیم آنوقت پرتگاه‌ها و اسب‌های آماده! شده ما را به جدایی می‌خواند و به زندگی دعوت می‌کند.

«قل ان كان آبائكم و ابنائكم و اخوانكم و ازواجكم و عشيرتكم و اموال اقترفتموها و تجاره تخشون كادها و مساكين ترضونها احث اليكم من الله و رسوله و جهاد في سبيله فتربصوا حتى ياتي الله بامر»

وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفٰسِقِيْنَ» (۷):

به آنها بگو اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و عشیره و قبیله شما و اموال و سرمایه‌هایی که جمع آوری کرده‌اید و تجارتي که از کسب آن بیم دارید و مساکن مرفهی که مورد خشنودی شماست، در نظرتان محبوب‌تر از خدا و پیامبر او و جهاد در راهش باشد، در انتظار باشید که تا امر خدا بیاید و خدا قوم فاسق را هدایت نمی‌کند.

پس توجه و جاهت یافتن در مکتب انتظار باید از محل متعالی تأمین شود. در زندگی روزمره آبرومندی‌ها از مال علم و دانش، مدرک، شهرت و قدرت جستجو می‌گردد. اما شیعه در زیارت عاشورا می‌آموزد که «اللهم اجعلني عندك وجيهاً بالحسين (علیه السلام) ...» خدایا با حسین به من آبرو ببخش.

این همّت بلندی است و بینش می‌خواهد برای کسی که جاهت و آبرو را در حوزه خانواده و فامیل و شهر و منطقه و یا تمام زمین می‌خواهد وسیله‌های جاهت می‌تواند محبت و بخشش و خدمت و شهرت و طرفداران و هواخواهان و تأثیر تبلیغات باشد.

اما برای کسی که از حوزه زمین فراتر می‌رود و عظمت در آسمانها و جاهت عندالله (دعای توسل) و در حضور حق را خواستار می‌شود، وسیله و جاهت هم متفاوت خواهد بود و دیگر نمی‌تواند به

مسائلی در سطح خانواده و بستگان و همشهری‌ها و هموطن‌ها و اهل خاک دل خوش کند.^(۸) که وجاهت در حضور او و در محضر او برای کسانی است که با سر رفته‌اند و جام را تا آخر نوشیده‌اند و توجه را از غیر او برداشته‌اند و به وفا راه یافته‌اند^(۹) و یا با وقاداران و سراقرازان پیوندی بسته‌اند و رشته‌ای در میان رشته‌ها انداخته‌اند.

آدم‌ها با انتخاب‌ها و پیوندها و وفا و سرشار کردن شان به ارزش به آبرو می‌رسند و خریدار پیدا می‌کنند: «ان الله اشتری من المؤمنین» خداوند از عاشق‌ها خریدار است^(۱۰). و همچنین متاعی را از خاک برمی‌دارند. در سوره یوسف می‌خوانیم «معاذ الله ان تأخذ الامن وجدنا متاعنا عنده»^(۱۱).

دوم: عهد

با جهت‌گیری و انتخاب به ارزش و وجاهت راه می‌یابیم. پس با همین جهت‌گیری متعهد می‌شویم و بیعت می‌کنیم و عهد می‌بندیم که در زیارت امام زمان (عج) آمده است:

«فانذل مالی و اهلی و نفسی و جمیع ماخولنی ولی بین یدیک و هو عهدی الیک شیاتی لدیک اذ انت نظام الدین و یعسوب المتقین»^(۱۲).

پس بنذل می‌کنم خانواده‌ام و ثروتم و خودم و هر آنچه را

پروردگارم عطا کرده است... و آن عهد من است و میثاقم نزد تو، چرا که تو نظام دین و پیشوای متقین هستی و تا زنده‌ام و روزگاران، پیمان و عهد و بیعت او را در گردنم به جا باشد و از آن بر نمی‌گردم و دست نمی‌کشم (۱۳).

آری آنچه داریم نزد ولی خدا می‌گذاریم چون آنچه در نزد ما بماند رفتنی است و کم‌شدنی و ضایع‌گشتنی که «ما عند کم ینفد و ما عند الله باق» (۱۴).

آنچه نزد آدم‌هاست فانی می‌شود و آنچه نزد خداست باقی و جاودانه است. تو از مهدی علیه السلام توقع نداری چون تعلق نداری. می‌خواهی آنچه خدا به تو بخشیده در راه او ببخشی و این‌گونه دارائی‌ها و داده‌ها را از تباهی نجات بدهی و نسیه‌ها را نقد کنی و همراه خود داشته باشی.

فرق است میان کسی که می‌خواهد در قرارداد ریش بگیرد و آن‌که ریش بگذارد و راه بازگشت را بر خود ببندد.

می‌بینیم که یاران حسین علیه السلام تمامی پل‌ها را پشت سر خراب کردند و زن‌ها را طلاق دادند که مبادا بازگردند و یا مشکلی از آن‌ها بر زن‌هایشان پیش بیاورند (۱۵).

در هر حال پیمان بر ساختن و جان باختن و هستی به پای دوست

انداختن، پیمان کسانی است که پناهی غیر از مهدی علیه السلام ندارند و نمی بینند و جز قلعه توحید و ولایت پایگاهی ندارند.

آن ها که از ولی حق و حجّۃ الله تمنایی دارند در واقع او را نردبان خواسته ها و واسطه هوس هایشان کرده اند و حال آنکه سوخته گان عشق چنین می خوانند:

ما را از توبه جز تو تمنایی نیست.

چه خوب است که به ندای زیبایش گوش جان سپاریم، که فرمود:

«ولو اشیاعنا - وفقهم الله لطاعته - علی اجتماع من

القلوب فی الوفاء و بالعهد علیهم لما تأخر عنهم الیمن

بلقائنا...»

و اگر شیعیان ما - که خدا توفیقشان دهد - در راه ایفای پیمانی که

بر عهد گرفته اند همدل می شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به

تأخیر نمی افتاد (۱۶).

سوم: انس

از آنجا که در راه هدف های بزرگ، درگیری های بزرگ و تنهایی و

غربت های وهم آلود و حشتناک هست (۱۷) همان دشواریها که خود آن

عزیز باعث سبک باری ما از آنهاست در موج کلام مهربانش بشنویم:

«انا غیر مهملین لمراعاتکم و لا ناسین لذکرکم و لو
لا ذلک اللأواء واصطلمتکم الاعداء، فاتقوا الله جل
جلاله...» (ما در رسیدگی شما کوتاهی نکرده و یاد
شما را از خاطر نمی‌بریم که اگر جز این بود
دشواری‌ها و مصیبت‌ها بر شما فرود می‌آمد و
دشمنان، شما را نابود و ریشه کن می‌کردند^(۱۸).)

در این هنگام وحشت و غربت و تنهایی انسان که می‌گویند از انس
ریشه گرفته، دل‌گرمی و پناه و نجوا و گفتگو می‌خواهد و آنها که از هم
تعلق‌ها گسسته‌اند و یا می‌خواهند بگسلند، چگونه انس بگیرند و با
چه دلگرم شوند؟

انس آن‌ها در وحشت، نور آنها در سیاهی و ظلمت و تکیه‌گاه آنها
در زیر بار مصیبت، چه می‌تواند باشد؟

چه تشویقی و چه دریچه‌ای و چه پستی، چه نامی و چه نشانی
می‌تواند به این دل‌های فارغ و سرهای بلند، گرمی و شور بدهد؟
آن‌هایی که می‌خواهند تا دست‌های ولی خدا خون‌ها را از
چشم‌هاشان پاک کند^(۱۹) جواب این سؤال مرا داده‌اند... که برای آنها
خرد بیدار محبوب خواسته‌ای نیست و همین خواسته برای این
دل‌های فارغ چشم‌اندازی نیست.

چهارم: توسل

این یک اصل است که باید مهم را فدای مهم‌تر کرد و از آن برای رسیدن به اهمیت‌ها وسیله ساخت این هم درست است که از قرآن آموخته‌ایم «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»^(۲۰) یعنی به سوی خدا وسیله دست و پا کنید، اما هر وسیله‌ای مناسب کار خاصی است امام و حجة خدا وسیله هدایت^(۲۱) و مرتب و لقاء و رضوان است.

امام علیه السلام وسیله بیرون آمدن از ظلمت و گناه است^(۲۲) حال اگر از ولی خدا علیه السلام کار زمین و زراعت و تجارت را بخواهی نمی‌گویم که بهره نمی‌گیری، می‌گویم که بهره بیشتری را از دست می‌دهی از حجّت خدا باید کاری را خواست که از دست دیگران ساخته نیست.

کاری که از تجربه و علم و عقل و غرائز فردی ساخته است نیاز به این وسائل هدایت و قریت ندارد؛ چنانکه به قول یکی از اساتید کار اصلی مرجع ساختن مسجد و مدرسه و بیمارستان و... نیست. این‌ها کارهایی است که از یک ثروتمند هم ساخته است. کار مرجع تربیت عالم «عادل» عاقل است و این کاری است که از ثروتمندان و دیگران ساخته نیست باید به هر کس در کاری که برای آن ساخته شده و خلقت یافته توسل جست و بهره گرفت.

آنها خود معرف خویشند. آنها انقلاب و ثوره در عقل‌ها و

اندیشه‌ها ایجاد می‌کنند. (۲۳) آنها غسل و زنجیر را از پای آدمی برمی‌دارند که خوب حرکت کند (۲۴) و شرق و غرب برویم هدایت نزد آنهاست (۲۵) و این غصه بردل آنهاست که می‌فرمایند:

«از بلاهای این امت آن است که وقتی صدایشان می‌کنیم اجابت نمی‌کنند و اگر رهایشان کنیم جز با ما هدایت نمی‌شوند» (۲۶).

این‌ها امکانات ما و نیروهایی که در اختیار بشرند نباید بی‌حساب و کتاب و چشم از کنار آنها گذشت که چه بسا توسل‌ها، خود اهانت باشد و هتک حرمت و باعث دوری و محرومیت.

پنجم: انتظار و آماده باش

در مباحث گذشته دیدیم که ادب انتظار، توجه بود و پیمان، انس و ارتباط و توسل و بهره‌برداری در جایگاه‌های متناسب و اهداف هماهنگ و مرور بر روایات و دعاها در زمان غیبت ما را به این آداب راهنمایی می‌کند و به حقیقت انتظار که تهباً و آماده باش است می‌رساند:

۱ - حداقل آمادگی

چنان‌که در روایات اشاره به حداقل آمادگی شده است. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

باید هر کدام از شما مهیا کند برای خروج قائم چیزی را اگر چه یک تیر باشد. زیرا خداوند وقتی این نیت را از او ببیند امیدوارم که خداوند در عمر او تأخیر بیاندازد تا او را درک کند و از اعوان و انصار او باشد. (۲۷)

۲ - یادگیری

امام سجاد در توصیف اهل زمان غیبت فرماید:

«ان اهل زمان غیبه قائلون بامامته...»

(کسانی که در زمان غیبت به سر می‌برند به امامت حضرت مهدی

ایمان دارند.)

تا آنجا که فرماید:

«وشیعتنا صدقا و الدعاء الی دین الله سرّاً و جهراً»

آنان شیعیان صادق ما هستند و دعوت‌کنندگان به

دین خدا در پنهان و آشکارند. (۲۸)

آخر عاشق راحت محبوب خود را می‌خواهد. منتظر آن دلدار

عزیز اقدام می نماید و در خود و محیط اطراف خویش اثر می گذارد و منتظر مهدی علیه السلام و قائم آل محمد علیهم السلام که برای تمامی آدم‌ها و برای تمام قدرت‌ها طرح دارد و حرف دارد و برخوردار دارد، چگونه می تواند آماده نشود و زمینه سازی ننماید (۲۹). در حدیث آمده است که منتظرین در زمان غیبت «یوطنون للمهدی سلطانه» (۳۰).

این آماده باش و این زمینه سازی در فکر، روحیه، طرح و در عمل اثر می گذارد و در واقع تقدیر جدید و برنامه ریزی و تدبیر جدید و مدیریت و تربیت مهره های کارآمد و جاسازی این مهره ها را در جای مناسب می طلبد.

کسانی که با کار کم بهره زیاد بیاورند و با قطره های محدود حرکت و شور ایجاد کنند و از اینها گذشته جایگزینی نیروها که (اگر یاری افتاد، یاری دیگر برنخیزد و بار او را به دوش کشد...) این ها همه از مظاهر انتظار و آماده باش و زمینه سازی سلطان و تسلط مهدی علیه السلام می باشد. این حالات روحی که معرفت، اثبات، کم توقعی و شکیبایی و امید را می خواهیم از خصوصیات لازم منتظر است در دعای غیبت می بینیم:

معرف می طلبد: «اللهم عرفنی نفسک» (خدایا خودت را به من بشناسان!)

ثبات می خواهد: «ثبتنی علی دینک» (به من ثبات در دین عطا

فرما!)

کم توقعی و صبر: «صَبْرُنِي عَلَى ذَلِكَ» (برای این امر شکیبیا فرما)

تجسس بیهوده ندارد و نمی‌کند:

«لَا أَقُولُ لِمَ وَ كَيْفَ وَ مَا بَالُ وِلى الْأَمْرِ لَا يَظْهَرُ»

(نگویم که چرا و چگونه شده که ولی امر (عج) قیام

نمی‌کند)

تا امید نمی‌شود: «حَتَّى لَا يَقْنَطَا طَوَّلَ غَيْبَتِهِ» (تا اینکه طول غیبت

ما را ناامید نکند)

تردید و تکذیب نمی‌کند: «لَا مَرَّ تَابِينَ وَ لَا مَكْذِبِينَ» (نه شک

بورزیم نه تکذیب کنیم)

یقین به قیام امام مثل یقین به رسول اکرم: «يَكُونُ يَقِينًا فِي ذَلِكَ

كَيْفِيَّتِنَا فِي قِيَامِ رَسُولِكَ» (یقین ما در امر امام مثل یقین به قیام رسول

اکرم ﷺ می‌باشد).

۳ - دعا:

نمازها و نیایش‌های زیر از نشانه‌های منتظر و زمیئه فرج شمرده

شده است.

اوّل: دعای ندبه

دوّم: نماز و نیایش در مسجد مقدس جمکران

سوّم: دعا برای فرج امام زمان عجل الله فرجه

پی نوشت ها:

- ۱- دعای توسل - مفاتیح الجنان
- ۲- مثل ولایت فقیه در این عصر
- ۳- به صحیفه نور مراجعه شود.
- ۴- تعقیبات بعد از نماز در ماه رمضان.
- ۵- البته آن زندگی که امام حسین علیه السلام فرمود: «کفی بک ذلاً أن تعیش و ترغماً»، برای ذلت تو همین بس که زندگی را در حالی که خوار هستی بخواهی.
- ۶- حمّال الغدرة، تعبیری از امام علی علیه السلام.
- ۷- سوره توبه، آیه ۲۴.
- ۸- عمر بن خطاب گوید: با اجازه پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شدم، پیامبر به پهلو دراز کشیده و بخشی از بدنش بر خاک و زیرش بالشی از ليف خرما بود. گفتم ای پیامبر خدا تو نبی الله و برگزیده و بهترین خلقی آن وقت کسری و قیصر بر تخت های طلا و فرش دیبا و حریر آرمیده باشند؟ (بینش خلیفه) پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: آنها قومی هستند که در بهره مندی از طیبات تعجیل بر ایشان شده و در دنیا و این سریع الانقطاع است و طیبات برای ما ذخیره شده (و چشم به آن عالم داریم) میزان الحکمة، جلد سوم، ص ۳۲۷.
- ۹- چنانکه عمرو بن قرظہ در حال شهادت خطاب به امام حسین علیه السلام گفت: «هل أوفیت» «آیا به عهد خود وفا کردم؟» حماسیه حسینی،

جلد ۳ ص ۳۴۳ به نقل از نفس المهموم ص ۱۴۰.

۱۰- سوره توبه، آیه ۱۱۱.

۱۱- سوره یوسف آیه ۷۹، اشاره به جائیست که وقتی برادران می‌گویند یکی از ما را به جای این برادرمان بردار، حضرت می‌فرماید: پناه بر خدا که ما کسی را جز آنکه متاع ما در نزد اوست بگیریم.

۱۲- دعای بعد از زیارت آل یس یا صاحب الامر علیه السلام مفاتیح الجنان، ص ۱۰۴۷.

۱۳- دعای عهد، مفاتیح، بعد از دعای ندبه.

۱۴- قرآن مجید

۱۵- مثل زهیر در کربلا.

۱۶- احتجاج، جلد ۲، ص ۴۹۹.

۱۷- شیعتنا لایزال فی حزن، حتی قام القائم، شیعیان ما پیوسته در غم و اندوه خواهند بود تا قائم قیام کند. (از توقیع امام حسن عسکری علیه السلام).

۱۸- احتجاج، جلد ۲ ص ۴۹۷.

۱۹- چنانکه امام حسین علیه السلام در باره برادر باوقا و بعضی دیگر چنین کرد.

۲۰- قرآن مجید

۲۱- در تفسیر یا تطبیق آیه و بالنجم هم یهتدون، و با ستارگان آنها را می‌یابند گفته‌اند که ستارگان هدایت ائمه‌اند.

۲۲- استنقذ وفی من ذنوبی، مرا از گناهان نجات دهید، او آخر دعای توسل.

۲۳- یشیروا لهم دفائن العقول، نهج البلاغه، خطبه (۱).

۲۴- یضع عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت علیهم، سوره اعراف آیه ۱۵۷.

۲۵- شرقوا او غربوا یا در تعبیری دیگر فیلشرق الحکم و لیغرب اما والله لایصیب العلم الامن اهل البيت، اصول کافی جلد (۲) ص ۲۵۲.

۲۶- امام حسین علیه السلام، من البلاء علی هذه الامة اما اذ ادعوتاهم لم

يجیبونا و إذا ترکناهم لم یهدوا بغیرنا.

۲۷- مهدی منتظر علیه السلام ص ۲۸۸.

۲۸- بحار الانوار، جلد ۵۲، ص ۱۲۲.

۲۹- امام صادق علیه السلام که خود اظهار ارادت نموده و آمادگی خدمت‌گزاری به

مهدی علیه السلام را اعلام نموده در یکی از برخوردها با یکی از شیعیان او را

مورد سوال قرار می‌دهد که چرا با جوانان در امر ما کار نمی‌کنی در

حالیکه جوانان به سرعت دل به نیکی می‌سپارند؟

۳۰- میزان الحکمة، جلد ۲ ص ۵۶۸ و کنز الاعمال، جز ۳۸۶۵۷.

فصل چہارم:

اثرات انتظار

اثرات انتظار صبر و ذکر و بصیرت است هنگامی که مشکلات و
فتنه‌ها و شبهات هجوم می‌آورند.

۱ - صبر:

کسی که برای مشکلات جایی را در نظر گرفته و آنرا در طرح
محاسبه کرده غافلگیر نمی‌شود و صبرش را از دست نمی‌دهد. امام
علی علیه السلام فرموده‌اند:

«انَّ أَمْرَنَا صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ لَا يَحْمِلُهُ إِلَّا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ

أَمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ بِالْإِيمَانِ»^(۱) (راه ما دشوار و

توان‌سوز است. آنرا فقط مؤمنی که قلبش امتحان

داده است، تاب خواهد آورد.)

این طبیعی است که اهداف نسبت به عظمت و اهمیت شان مقدمات بخواهند و مشکلات داشته باشند ولی این طبیعی نیست که به خاطر این مشکلات به جزع و فرع و یا ذلت و ضعف روی بیاوریم. چرا که آدمی با ترسها به قدرت رسیده و با عشقها کوهها را بر دوش کشیده: بی ستون را عشق کند و شهرتش فرهاد برد...

آدمی آموخته است که چگونه ترس و عشق را به قدرت تبدیل کند و چگونه برای مشکلات راه حلهایی بیابد و طبیعی است که راه حل های دوره انتظار از بحران های هجوم مشکلات بکاهند و صبر را مغلوب حوادث نسازند.

بیهوده نیست که امام منتظر علیه السلام، خود را به اقدام فراخوانده اند.

«فاتقوا الله جل جلاله و ظاهرونا علی انتیاشکم من

فتنة انافت الیکم» (پس تقوا پیشه سازید و ما را به

رهایی بخشیدن به خودتان از فتنه ای که به شما روی

آورده یاری دهید^(۲)).

صبر و شکیبایی برای ایمان به منزله سر برای بدن است. بی دست

و پا و بی چشم و بی گوش می توان زنده بود اما بی سر نه! و این صبر هم

در حوزه اطاعت و معصیت و هم مصیبت جریان دارد.

۲ - ذکر:

همان‌طور که مشکلات و مصائب و حوادث در میان هست
همین‌طور فتنه‌ها، جلوه‌ها، وسوسه‌ها و زینت‌ها در میان هست. ناچار
هر کدام از این فتنه‌ها، جلوه‌ها، وسوسه‌ها و زینت‌ها، دل را می‌لرزاند؛
و غفلت را می‌پروراند و این غفلت ضررنازترین دشمن است چرا که
گمراه می‌کند و انحراف در راه می‌آورد. (۳)

غفلت است که قساوت قلب و مرگ دل و خسران را به دنبال دارد
و فساد اعمال از نتیجه‌های آن است. (۴)

در قرآن کریم به همه این موارد تذکر داده شده است. هر چند در
مجموع اکثر این موارد جزء سنت‌های جاری در هستی انسانی است
تا در این مبارزه رشد خویش را تضمین کند.

«نبلوکم بالشر و الخیر فتنه» (۵) شما را به بدی و خوبی می‌آزمائیم
«سولت لکم انفسکم» (۶) نفستان برای شما (کار بد) را زینت داد.
«الفتنة اشد من القتل» (۷) فتنه از جنایت بدتر است.

«یوسوس فی صدور الناس» (۸) در سینه مردم وسوسه می‌کند.

«لأزین لهم» (۹) (شیطان می‌گوید) برای آدمیان زینت می‌دهم.

در حالی که هر آنچه زینت به نظر می‌آید هم زینت زمین بود. (۱۰) و

زینت آدم رشد یافته در این حقارت‌ها جای ندارد. اما اگر ذکر نباشد

که بصیرت زنده شود^(۱۱)، در نتیجه مردانی که از دریاها گذشته بودند در استکانی غرق می‌شوند و با جرعه‌ای گلوگیر از پای می‌افتند^(۱۲). در کتاب «اختصاص» روایتی هست^(۱۳) که نشان می‌دهد پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و هجوم فتنه‌ها، (در باب خلافت پیامبر صلی الله علیه و آله) آن همه فتنه‌هایی که به سیاهی شبی فراگیر سایه افکنده بود، هم بازگشتند، مگر سلمان که تا ساعتی در او چیزهایی آمد اما گرفتار رنجی در گردنش شد (تا مایه ذکرش باشد) و جز ابوذر که تا ظهر در او حالتی آمد اما گرفتار شتر برهنه و ریختن گوشت از پاها شد و جز مقداد که حتی لحظه‌ای هم شک نکرد و حالت او دگرگون نشده چشم در چشم علی داشت و انتظار می‌کشید تا چه زمانی امام علیه السلام دستورش می‌دهد و او اجرا نماید^(۱۴).

ممکن است سؤال شود که چگونه ممکن است مردانی مثل سلمان رضی الله عنه و ابوذر احساس کوچکترین خطور قلبی داشته باشند؟ باید گفت که این‌گونه روایات خدشه‌ای در عظمت این بزرگان نمی‌آورد بلکه از سختی و هجوم فتنه‌ها می‌گوید^(۱۵) و گرنه شک و حالت این اصحاب سرّ امیرالمؤمنین علیه السلام در خدا و قدرت و حکمت او نبود که تعجب از تقدیر است و عدم تحمل آن‌هم تا ساعتی و یا ساعاتی و عذابی که برای این حالت آمده چه در گردن (سلمان) و چه

در پایشان (ابوذر) این‌ها نشان عظمت کسانی است که این‌گونه جرمشان بزرگ می‌شود و عذاب می‌شوند. در حالی که ما تمامی مجرم‌ها را داریم و عذابی هم نمی‌شویم. چرا که ما سالک و رونده نیستیم و شتابی نداریم که در انحراف زمین بخوریم و متذکر شویم. رمز عذاب آنها این بود که کسانی که سرعت نور و یا بیشتر دارند کمترین لرزه کیلومترها انحراف به حساب می‌آید. اما برای ما که در جا ایستاده‌ایم و فقط فرمان را می‌چرخانیم! این همه گردش و انحراف جز چند متر و چند سانتیمتر حاصل نمی‌آورد.

آری! جرم ما توقف ما است و مجازات آن یاران نزدیک به خاطر سرعت سیر و مقدار سلوکشان. آخر این سلمان است که درجه «از ما اهل بیت» را از پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گیرد و آن ابوذر است که ابرها بر راستگوتر از ابوذر سایه نمی‌افکنند.

راستی که تحمل قدر سنگین است. در تاریخ می‌نگری و می‌بینی که در یک شب به شمشیر بلند می‌شود یکی بر فرق علی علیه السلام می‌نشینند و او را به شهادت می‌رسانند و یکی کمر معاویه را می‌درد و او را از نسل می‌اندازد. یکی بر فرق نایب عمر و عاص می‌افتد و عمر و عاص سالم می‌ماند و تو می‌گویی کاش علی علیه السلام می‌ماند و آنها می‌رفتند. آخر چرا؟ آخر کاش...

این حالت‌ها و تمناها، نشان می‌دهد که عمق مسأله را نیافته‌ایم. خیال می‌کنیم تمامی عوالم در همین چند روز و چند سال دنیا خلاصه شده است^(۱۶) و خیال می‌کنیم که هدف، پیروزی و قدرت و تسلط حق است^(۱۷) در حالی که هدف، ایجاد زمینه برای انتخاب است که در قرآن می‌خوانیم:

«من شاء اتخذ الي ربه سبيلا»^(۱۸) هر کس که خواست راه را بیابد حرکت کند، همین! هدف مکان انتخاب است^(۱۹) نه تسلط و قدرت و همین تفاوت در دیدگاه است که رضایت به قدر و اطمینان به قدر را فراهم می‌آورد. از زیارت امین الله^(۲۰) می‌خوانیم:

«اللهم فاجعل نفسي مطمئنة بقدرك، راضية بقضائك»، خدایا! خاطر من را به تقدیرت آرام و به قضایت خشنود بگردان.

آنچه باعث انس و رضایت می‌شود و آنچه که از غفلت‌ها و چنبره فتنه‌ها و جلوه‌ها و زینت‌ها و وسوسه‌ها می‌رهاند، همین ذکر است که از هجوم وساوس و فتنه‌ها پی‌ببرد و ارزش‌ها پی‌ببرد و به جای غفلت به بصیرت بررسی که در سوره اعراف آیات «۱ و ۲» آمده است: «ان الذين اتقوا اذا مسهم طائف من الشيطان تذكروا فاذا هم مبصرون» کسانی که به مرحله تقوا رسیده‌اند و در کلاس طاعت نشسته‌اند، آنجا که گردبادی از شیطان بر آنها حلقه تنگ کند و شیطان آنها را محاصره

نماید در این هنگام متذکر می‌شوند و از هجوم شیاطین بیرون می‌آیند و به بصیرت می‌رسند. این است که از ذکر در روایت به قوت روح و کلید و حیات قلب و نور قلب و شفاء قلب تغییر شده است (۲۱).
 راستی که خدا چگونه هدایت می‌کند و از هجوم شیاطین به جای غفلت (۲۲) ذکر و بصیرت را به اهل طاعت عنایت می‌فرماید و آن‌ها را میان شبهات راهنمایی می‌نماید و این بهره‌کسانی است که آماده باش داشته‌اند و انتظار می‌کشیده‌اند.

۳ - بصیرت:

آخرین اثر انتظار بصیرت است. بصیرت در کار و برنامه‌ریزی و یقین به حمایت خداوند و قدرت ایمان، از مبرم‌ترین نیازهای منتظر است.

طبیعی است که در جهان مهاجم کنونی و جناح بندی‌های متعدد و متحد آنان پرسشها و حیرت‌هایی را ایجاد می‌کنند. آخر همان‌طور که فتنه‌ها، در دل تعلق ایجاد می‌توان بر پای ایستاد و تمام فتنه‌ها را به زیر پا گرفت.

اگر منتظران اقدامی نکردند و تقدیر و تدبیر و تشکل و تربیتی را نیاورند و یاری را برنداشتند، چنانکه وظیفه چنین بود، آنوقت ظلم

مملو خودش زمینه ساز قسط و عدل می شود. «یملأ الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملت ظلماً و جوراً» پر می کند زمین را از قسط و عدل همانطور که از ظلم و جور پر شده بود. (۲۳)

می بینیم که سیاهی، زمینه ساز نور است و در دل تاریکی چراغها افروخته می شوند. این درس قرآن است که می فرماید: «جاء الحق و زهق الباطل» اگر حق را آوردی باطل می رود اما اگر حرکتی نداشتی باطل خود را سازمان می دهد و به میدان می آید. هرچند این هم یک اصل است که «ان الباطل کان ذهوقاً» (۲۴).

باطل از بین رفتنی است. باطل زمینه های فساد و نابودی را از پیش در خور دارد. زیرا کسی که خلاف قانونها و سنت های حاکم بر هستی می رود ناچار نابود شدنی است. اما جواب امکانات و قدرت ها از طرف مقابل این است که:

الف) مهم امکانات و قدرتها نیست؛

مهم آن توان روحی و انگشتی است که آنها را به چرخ می اندازد؛

مهم اسلحه نیست؛

مهم دستی است که ماشه اسلحه را می چکاند.

اهمیت با آن اعصابی است که انگشتها را می گرداند و آن مغز و

قلبی که بر همه اینها فرمان می راند. اگر این دو مرکز بمباران شد دیگر

از توان‌ها استفاده نمی‌شود. باز هم از قرآن می‌آموزیم که فرمود:
 «وقدف فی قلوبهم الرعب»^(۲۵)، خدا قلوب آنها را با رعب و ترس
 هراسان نمود.

وقتی این کانون اصلی حساس و دستور روح فلج شد، به طوری
 سرگردان می‌شوند که آنها با دست خویش حصار و قلعه‌هایشان را
 خراب می‌کنند^(۲۶). چرا که خداوند جایی که حسابش را نمی‌کردند به
 سراغ آنها آمد^(۲۷) و دل‌هایشان را با ترس تسخیر کرد.

حالا این پرسش پیش می‌آید که چگونه این ترس شکل می‌گیرد؟
 در سوره آل عمران آیه ۱۵۱ می‌خوانیم:

«سنلقی فی قلوب الذین کفرو الرعب»، به زودی در دل دشمنان
 ترس را می‌ریزیم، «بما اشرکوا بالله ما لم ينزل به سلطاناً» و این ترس از
 شرک آنها و پراکنده شدن نیروهای باطنی آنها و بت‌های بی‌شمار آنها
 ریشه و مایه می‌گیرد. و این شرک و ترس و اضطراب و التهاب
 علامت‌هایی است که از همین امروز انسان مقتدر و نیرومند را
 محاصره کرده و او را در بند کشیده است.

امروز می‌بینیم راهپیمایی‌های خلع سلاح و منع استفاده از
 سلاح‌ها بیشتر از ترس خود آنها به راه می‌افتد. راستی که آنها بپر
 کاغذی هستند.

ب) عهد و پیمان خدا برای نصرت مؤمنین و جبهه حق است؛ که البته این نتیجه همان ایمان و پایداری است. این ویژگی قدرت‌های مضاعفی می‌آفریند. اگر از شما بیست نفر صابر باشند بر دویست نفر غلبه می‌کنند^(۲۸) و در جای دیگر می‌فرماید: اگر از شما صد تا باشند بر هزار نفر کفار پیروز می‌شوید^(۲۹).

آری مهم کیفیت است نه کمیت چرا که «کم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة باذن الله»، چه بسا گروه کمی که بر گروه زیادی غالب شدند به اجازه خدا^(۳۰) و این قول خدای مهربان است که می‌گوید: «کتب الله لاغلبن انا و رسلی»^(۳۱) خدا چنین نوشت است که من و رسولانم پیروز خواهیم شد و خداوند این نصرت را حق مؤمنین می‌داند. «حقاً علينا نصر المؤمنین»^(۳۲) حق بر ما دارند که مؤمنین را یاری کنیم و خدا پیروز است که فرمود «ان ینصرکم الله فلا غالب لکم»^(۳۳) اگر خدا یاری کند هیچکس بر شما غلبه نخواهد کرد.

و حزب خدایی باید بداند که یاری جبهه حق جز با خدا نخواهد بود که «وما النصر من عند الله العزیز الحکیم». و نصرتی نیست مگر از جانب خدای عزیز و حکیم.

ج) شاهد تاریخی این موضوع همانا پیروزی پیامبر در موطن و جبهه‌های زیادی می‌باشد که به تنهایی و فقر و ضعف شروع نمود و

بنیان‌گذار بزرگترین تمدن اسلامی شد. جنگ احزاب و آیاتی از سوره حشر که مرور نمودیم مربوط به تخریب خود دشمن به دست خویش^(۳۴) مشتی از خروار نمونه‌هاست.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند «نصرت بالرعب مسيرة شهر!» من از جانب خدا به وسیله ترس و وحشت دشمنان یاری شده‌ام به فاصله یکماه یعنی حتی دشمنی که از من یک ماه فاصله دارد دچار وحشت و اضطراب است^(۳۵).

(د) این نصرت به امام مهدی علیه السلام نیز هدیه شده است. در مورد لشکریان حضرت مهدی علیه السلام نیز می‌خوانیم که سه لشکر او را یاری می‌کنند.

«الملائكة

المؤمنون

الرعب»:

فرشتگان و مؤمنان و ترس و وحشت^(۳۶) در حقیقت آنان سعی می‌کنند از برون ضربه نخورند ولی خداوند از درون آنها را متلاشی می‌کند و می‌دانیم ضربه درونی جانکاه‌تر و جبران‌ناپذیرتر است. چرا که اگر تمام سلاح‌ها و ارتش‌های جهان در اختیار کسی نباشد ولی روحیه نبرد نداشته باشد محکوم به شکست است^(۳۷).

ه) انسان عصر غیبت خود انتظار چنین موعودی را می‌کشد و ناامید از زندگی و تمدن خویش چشم انتظار اوضاع دیگری است. یعنی از دیدگاه انسانی بنگریم، باید احساس نابودی مداوم در انسان متمدن ایجاد شود و یک انگیزه اساسی در درونش پدیدار گردد و رسالت را دادگرانه مهدی (عج) را بپذیرد و تجربه اجتماعی، مدنی و سیاسی گوناگون امکان چنین احساسی را درون انسان‌ها جای داده است. انسان با تجربه مکتب‌ها و... می‌تواند بارگرانی از نقاط منفی به دوش خود بیابد و نیاز او را به یاری جویی از سرشت پاک و نهان جهان آشکار سازد وقتی شکست روحی بر مردم چیره شده باشد، و روح انسانی که مالک و زاهر ابزارها و افزارهاست فرو ریزد تکامل شکل مادی نیروها کاری از پیش نمی‌برد.

در تاریخ هم نمونه‌های بسیاری داریم که ساختمان یک تمدن رفیع با نخستین تکانی که بر اثر یک نبرد به آن داده شده فرو ریخته است. در حقیقت کاخ بلند آن تمدن پیش از فرو ریختن ظاهر، از درون پوسیده است و فرو ریخته و وضعیت و پشتوانه لازم برای پایداری و برپای ایستی خود را از دست داده است.

امام مهدی (عج) فردی است که عامل پیوند انسان‌ها و پروردگار است و این نیروی بزرگ برای جنبش بزرگ ولی بی نظیر تاریخ است.

همانطور که محمد ﷺ به حکم مأموریت الهی چنین کرد.
 پس آن چه را که ممکن است به دست بزرگ‌ترین پیامبران روی
 دهد امکان هم دارد که به وسیله پیشوای منتظری از خاندان او نمودار
 شود. پیشوائی که پیامبر ﷺ خود نوید ظهورش را داده و مردم راز
 نقش سترگ او آگاه ساخته است.

«یا ایها العزیز! جئنا ببضاعة مرجاة فأوف لنا الكیل»

ای عزیز دل زهرا!

ما با سرمایه اندکی به خدمت آمدیم.

اما تو ظرف خالی ما را پر نما.

آمین

- ۱- خطبه ۱۸۹ - نهج البلاغه
- ۲- بحار الانوار: جلد ۵۳، ص ۱۷۵
- ۳- از علی علیه السلام، میزان الحکمة، جلد ۷ ص ۲۵۹.
- ۴- همان ص ۲۶۷.
- ۵- سوره انبیاء آیه ۲۵.
- ۶- سوره یوسف، آیه ۱۸.
- ۷- سوره بقره آیه ۱۹۱.
- ۸- سوره ناس آیه ۵.
- ۹- سوره حجر آیه ۳۹.
- ۱۰- سوره کهف، آیه ۷.
- ۱۱- تذکرو افاذا هم مبصرون، آن مؤمنان دل آگاه در موقع طواف شیطان به یادآوریها متنبه شده و به بصیرت می‌رسند. سوره اعراف آیه ۲۰۱.
- ۱۲- الا فی الفتنة سقطوا، سوره توبه، آیه ۴۹.
- ۱۳- اختصاص شیخ مفید(ره) در بخش ذکر دوستان مقرب امام علی علیه السلام ص ۹.
- ۱۴- «عن ابی عبدالله علیه السلام قال: ان سلیمان کان منه الی ارتفاع النهار معاقبة الله ان وجیء فی عنقه حتی حیرت کهیة السلعة حمراء و ابوذر کان منه الی وقت الظهر، فعاقبه الله الی ان سلط علیه عثمان حتی حملة علی قتب و أكل لحم و طرده عن جواد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فاما الذی لم یتغیر منذ قبض رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم حتی فارق الدنيا طرفه عین فالمقداد بن الاسود لم یزل قائماً قابضاً علی قائم السیف عیناه فی عینی امیرالمؤمنین علیه السلام ینتظر منی یا امره فیمضی.»
- ۱۵- در احادیث نیز داریم که «وسیخرج من الغریال خلق کثیر» از غریال (امتحانات و فتنه‌ها) خیلی‌ها پایین خواهند ریخت و یا در روایتی دیگر از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نگهداری دین در زمان غیبت مثل دست کشیدن بر شاخه‌ای خاردار (مشکل) خواهد بود. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۸۱
- ۱۶- در قرآن سوره مؤمنون آیه ۱۱۳ - ۱۱۲ - ۱۱۱ می‌فرماید: من امروز به مؤمنان جزا و پاداش می‌دهم به خاطر صبری که کردند و آنانند پیروزمندان (پس سؤال می‌کند) چقدر در دنیا ماندید؟ گویند یک روز! یا بخشی از روز! و خداوند می‌فرماید: و درنگ نکردید مگر کمتر از آنچه می‌گویید اگر دانا باشید آری در مقابل هستی بی‌انتها و ابدیت، حساب‌های ما توهمی بیش نیست.
- ۱۷- امام راحل رحمته الله علیه بارها می‌فرمودند: ما هرگز خیال پیروزی نداریم. قصد ما عمل به تکلیف است. صحیفه نور

- ۱۸- سورة انسان، آیه ۲۹
- ۱۹- لهیلک من هلک عن بینہ و یحیی من حی عن بینہ تا هر کس مسی میپرداز روی بینہ و آگاهی و هر که زنده می ماند از روی دلیل روشن باشد یا آیه من ثنا فلیؤمن و من شاء فلیکفر. و هر کس خواست (بتواند) ایمان بیاورد و هر کس خواست (بتواند) کفر بورزد. (آیات سورة انفال ۴۴ و سورة کهف آیه ۲۹)
- ۲۰- مفاتیح الجنان، ص ۷۱۳
- ۲۱- میزان الحکمة، ج ۳، ص ۴۱۷ و ۴۱۸
- ۲۲- مصادیق ذکر می تواند قرآن، سیره اهل بیت، و کلمات آنها و مجالست با عالم ربانی و یاد مرگ و به طور کلی بینش های دیگری باشد.
- ۲۳- منتخب الاثر، ص ۲۴۹
- ۲۴- سورة اسراء، آیه ۱۸۱
- ۲۵- سورة احزاب، آیه ۲۶.
- ۲۶- «یخربون بیوتهم باید بهم» سورة حشر، آیه ۲.
- ۲۷- «قاتاهم الل من حیث لم یحتسبوا» سورة حشر، آیه ۲.
- ۲۸- آیات ۶۵ ۶۶ سورة مبارکه انفال.
- ۲۹- همان.
- ۳۰- بقره آیه ۲۴۹.
- ۳۱- مجادله، آیه ۲۱.
- ۳۲- سورة روم، آیه ۴۷.
- ۳۳- آل عمران، آیه ۱۶۰.
- ۳۴- آل عمران، آیه ۱۲۶.
- ۳۵- داستان محاصره پیامبر قلعه یهودیان را و پایان توطئه های آنان.
- ۳۶- مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۱۹ به نقل از تفسیر نمونه ج ۲۳.
- ۳۷- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۲۴. به نقل از تفسیر نمونه، ج ۲۳.

پی نوشت ها:

- ۱- خطبة ۱۸۹ - نهج البلاغه
- ۲- بحار الانوار: جلد ۵۳، ص ۱۷۵
- ۳- از علی علیه السلام، میزان الحکمة، جلد ۷ ص ۲۵۹.
- ۴- همان ص ۲۶۷.
- ۵- سوره انبیاء آیه ۲۵.
- ۶- سوره یوسف، آیه ۱۸.
- ۷- سوره بقره آیه ۱۹۱.
- ۸- سوره ناس آیه ۵.
- ۹- سوره حجر آیه ۳۹.
- ۱۰- سوره کهف، آیه ۷.
- ۱۱- تذکروا فاذا هم مبصرون، آن مؤمنان دل آگاه در موقع طواف شیطان به یاد آورینها متنبه شده و به بصیرت می رسند. سوره اعراف آیه ۲۰۱.
- ۱۲- الافی الفتنه سقطوا، سوره توبه، آیه ۴۹.
- ۱۳- اختصاص شیخ مفید(ره) در بخش ذکر دوستان مقرب امام علی علیه السلام ص ۹.
- ۱۴- «عن ابی عبدالله علیه السلام قال: انّ سلمان کان منه الی ارتفاع النهار معاقبة الله أن وجيء فی عنقه حتی حیرت کهیة السلعة حمراء و ابوذر کان منه الی وقت الظهر، فعاقبه الله الی ان سلط علیه عثمان حتی حملة علی قتله اکا...» حدیث از رسول الله ﷺ فاما الذي لم يتغف عنه...

قبض رسول الله ﷺ حتى فارق الدنيا طرفه عين فالمقداد بن الاسود لم يرل قائماً قابضاً على قائم السيف عينا في عيني امير المؤمنين عليه السلام ينتظر متي يأمره فيمضي.»

۱۵- در احادیث نیز داریم که «وسیخرج من الغربال خلق كثير» از غربال (امتحانات و فتنه‌ها) خیلی‌ها پایین خواهند ریخت و یا در روایتی دیگر از پیامبر ﷺ نگهداری دین در زمان غیبت مثل دست کشیدن بر شاخه‌ای خاردار (مشکل) خواهد بود. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۸۱

۱۶- در قرآن سوره مؤمنون آیه ۱۱۳ - ۱۱۲ - ۱۱۱ می‌فرماید: من امروز به مؤمنان جزا و پاداش می‌دهم به خاطر صبوری که کردند و آنانند پیروزمندان (پس سؤال می‌کند) چقدر در دنیا ماندید؟ گویند یک روز! یا بخشی از روز! و خداوند می‌فرماید: و درنگ نکردید مگر کمتر از آنچه می‌گویند اگر دانا باشید آری در مقابل هستی بی‌انتها و ابدیت، حساب‌های ما توهمی بیش نیست.

۱۷- امام راحل علیه السلام با رها می‌فرمودند: ما هرگز خیال پیروزی نداریم. قصد ما عمل به تکلیف است. صحیفه نور

۱۸- سوره انسان، آیه ۲۹

۱۹- لهیلک من هلک عن بینه و یحیی من حی عن بینه تا هر کس می‌پرداز روی بینه و آگاهی و هر که زنده می‌ماند از روی دلیل روشن باشد یا آیه من شا قلیو من و من شاء فلیکفر. و هر کس خواست (بتواند) ایمان بیاورد و هر کس خواست (بتواند) کفر بورزد. (آیات سوره انفال ۴۴ و سوره کهف آیه ۲۹)

۲۰- مفاتیح الجنان، ص ۷۱۳

۲۱- میزان الحکمه، ج ۳، ص ۴۱۷ و ۴۱۸

۲۲- مصادیق ذکر می‌تواند قرآن، سیره اهل بیت، و کلمات آن‌ها و مجالست با عالم ربانی و یاد مرگ و به طور کلی بینش‌های دیگری باشد.

- ۲۳- منتخب الاثر، ص ۲۴۹
- ۲۴- سورة اسراء، آیه ۱۸۱
- ۲۵- سورة احزاب، آیه ۲۶.
- ۲۶- «یخربون بیوتهم بایدیهم» سورة حشر، آیه ۲.
- ۲۷- «فاتاهم الل من حیث لم یحتسبوا» سورة حشر، آیه ۲.
- ۲۸- آیات ۶۵ ۶۶ سورة مبارکه انفال.
- ۲۹- همان.
- ۳۰- بقره آیه ۲۴۹.
- ۳۱- مجادله، آیه ۲۱.
- ۳۲- سورة روم، آیه ۴۷.
- ۳۳- آل عمران، آیه ۱۶۰.
- ۳۴- آل عمران، آیه ۱۲۶.
- ۳۵- داستان محاصره پیامبر قلعه یهودیان را و پایان توطئه‌های آنان
- ۳۶- مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۱۹ به نقل از تفسیر نمونه ج ۲۳.
- ۳۷- اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۲۴. به نقل از تفسیر نمونه، ج ۲۳.

فہرست منابع

فهرست منابع

- ۱- اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات: محمد بن الحسن العاملي؛ تعليق و مقدمه: ابوظالب تجليل تبریزی؛ جواد طریقت، تهران، چاپخانه علمیه قم (رایگان)
- ۲- الاحتجاج: ابی منصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی؛ تعليقات و ملاحظات: سید محمد باقر موسوی الخراسان؛ نشر المرتضی، قم، ۱۴۰۳ ه.ق (افست از چاپ بیروت، ۱۴۰۱ ه.ق)، چاپ اول
- ۳- الاختصاص: محمد بن محمد بن النعمان العکبری البغدادي معروف به «شیخ مفید»؛ تصحیح و تعليق: علی اکبر غفاری؛ ترتیب فهرست‌ها: سید محمد زرنندی؛ نشر جماعة المدرسين، قم، بی تا (چاپ اول)
- ۴- از پوچی تا خدا (مقاله): مصاحبه با اوژن یونسکو؛ ترجمه: سعید شهرتاش؛ منتشره در روزنامه همشهری، سال اول، شماره ۱۲، سال ۱۳۷۱
- ۵- امام مهدی (حماسه‌ای از نور): آیه‌الله شهید سید محمد باقر صدر؛ ترجمه و نشر: کتابخانه بزرگ اسلامی (چاپ اول)
- ۶- انتظار مذهب اعتراض: دکتر علی شریعتی
- ۷- انسان بودن خویشتن: ناتانیل براندون؛ ترجمه: جمال هاشمی؛ شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۷۶ (چاپ چهارم)
- ۸- انسان در جستجوی معنا: ویکتور فرانکل؛ ترجمه: دکتر اکبر معارفی؛ انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۶ (چاپ چهارم)
- ۹- بحار الانوار: علامه محمد باقر مجلسی

- ۱۰ - به سوی تمدن جدید: آلوین تافلر - هایدی تافلر؛ ترجمه: محمد رضا جعفری؛ نشر سیمرخ، تهران، ۱۳۷۴ (چاپ اول)
- ۱۱ - تکاپوی اندیشه‌ها: مجموعه مصاحبه‌ها درباره علامه محمد تقی جعفری؛ دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۳، (چاپ اول)
- ۱۲ - الحکم الزاهره: علی رضا صابری یزدی؛ نشر جماعة المدرسين، قم، ۱۳۶۱، (چاپ اول)
- ۱۳ - خلاج: علی میرفطروس
- ۱۴ - حماسه حسینی: علامه شهید مرتضی مطهری؛ انتشارات صدرا، تهران، مهرماه ۱۳۶۵، (چاپ اول)
- ۱۵ - خارج از کنترل: زی بینگوبرژینسکی؛ ترجمه: دکتر عبدالرحیم نوه ابراهیم؛ انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۲
- ۱۶ - درس‌هایی از انقلاب (۱۲ جلد): عین - صاد؛ انتشارات هجرت، قم، ۱۴۰۰ - ۱۴۱۰ ه.ق.
- ۱۷ - رُوض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن (مشهور به تفسیر ابوالفتوح رازی)، (۲۰ جلد): حسین بن علی بن احمد الخزاعی النیشابوری مشهور به «ابوالفتوح رازی»؛ به کوشش و تصحیح: محمد مهدی ناصح - محمد جعفر یاحقی؛ ویراستار: محمد حسن خزاعی؛ بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، بهمن ۱۳۶۵ - بهمن ۱۳۷۵ (چاپ اول)
- ۱۸ - صراط (از مجموعه دیداری تازه با قرآن - ۲): عین - صاد؛ انتشارات هجرت، قم، رجب ۱۴۰۰ ه.ق.

۱۹ - قرآن مجید

۲۰ - کافی: محمد بن یعقوب کلینی؛ تحقیق و تصحیح: محمد باقر موسوی

خرسان، انتشارات علمیه اسلامیة، تهران، بی تا

۲۱ - معجم الالفاظ لقرآن المجید: محمد فزأید عبدالباقی؛ مقدمه: محمد

باقر بهبودی؛ تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۷ ه.ق (افست از چاپ دارالکتب

المصریه، ۱۳۶۴ ه.ق)

۲۲ - معجم المفهرس للالفاظ نهج البلاغه: محمد دشتی - کاظم محمدی؛

مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، قم، ۱۴۰۶ ه.ق (چاپ اول)

۲۳ - مفاتیح الجنان: شیخ عباس قمی

۲۴ - مکمال المکارم: موسوی اصفهانی؛ ترجمه: سید مهدی حائری

قزوینی؛ نشر و تحقیقات انتشارات بدر، تهران، زمستان ۱۳۷۲، (چاپ دوم)

۲۵ - منتخب الاثر: آية الله صافی گلپایگانی

۲۶ - مهدی منتظر را شناسید: مهدی فقیه ایمانی؛ مسجد الهادی، اصفهان،

شعبان ۱۳۸۴ ه.ق (چاپ اول)

۲۷ - میزان الحکمة: محمد محمدی ری شهری؛ دفتر تبلیغات اسلامی، قم،

۱۳۶۷ (چاپ دوم)

۲۸ - نهج البلاغه: سید رضی (ره)؛ ترجمه: عبدالمحمد آیتی؛ بنیاد

نهج البلاغه، تهران، ۱۳۷۶ (چاپ اول)

۲۹ - نهج الفصاحة (کلمات پیامبر اکرم «ص»): ترجمه: ابوالقاسم پاینده؛

انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۶۰ (چاپ پانزدهم)

فهرست مطالب

۷	به جای مقدمه
۹	ضرورت
۱۳	احساس نیاز
۱۸	زمینه‌های انتظار
۲۰	معضلات نظام نوین جهانی
۲۴	عناوین بحث
۲۵	پی‌نوشت‌ها
۲۹	فصل اول: مفهوم و حقیقت انتظار
۳۱	انتظار در منظرهای گوناگون
۳۶	رابطه انتظار و آمادگی
۴۰	تقیه
۴۷	پی‌نوشت‌ها

فصل دوم: ریشه‌های انتظار ۴۹

۱- ظلم و جنگ ۵۱

۲- ساخت و بافت انسان ۵۲

۳- کنجکاوی و احساس برقراری ۵۵

۴- انفجار نیروها ۵۵

۱- ۴- نمونه‌ها ۵۷

الف) اوژن یونسکو ۵۷

ب) ناتانیل براندون ۵۸

ج) ماجرای فاطیما ۵۹

پی‌نوشت‌ها ۶۳

فصل سوم: ادب انتظار ۶۵

اول: توجه ۶۹

دوم: عهد ۷۶

سوم: انس ۷۸

چهارم: توسل ۸۰

پنجم: انتظار و آماده‌باش ۸۱

- ۸۱ ۱ - حداقل آمادگی
- ۸۲ ۲ - یادگیری
- ۸۴ ۳ - دعا
- ۸۵ پی نوشت ها
- ۸۹ فصل چهارم: اثرات انتظار
- ۹۱ ۱ - صبر
- ۹۳ ۲ - ذکر
- ۹۷ ۳ - بصیرت
- ۱۰۵ پی نوشت ها
- ۱۰۹ فهرست منابع
- ۱۱۵ فهرست مطالب

فهرست برخی از کتابهای منتشره
انتشارات مسجد مقدس جمکران

- ۱ - نجم الثاقب (تالیف: مرحوم حاج میرزا حسن طبرسی نوری)
به اهتمام واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران
 - ۲ - عقد الدرر فی اخبار المنتظر (تالیف: یوسف بن یحیی علی بن
عبدالعزیز المقدسی الشافعی السلمی، از علماء قرن هفتم هجری)
 - ۳ - مهدی موعود (ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار تالیف مرحوم
علامه مجلسی رحمته الله؛ ترجمه محمد ولی ارومیه‌ای)
تحقیق: واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران
 - ۴ - در جستجوی قائم «عج» (تالیف: سید مجید پورطباطبایی)
معرفی ۱۸۵۰ کتاب پیرامون زندگانی پربرکت حضرت بقیه الله
الاعظم «عج» همراه با نقد و بررسی بعضی از کتاب‌ها
 - ۵ - یاد مهدی عجل الله (تالیف: محمد خادمی شیرازی)
 - ۶ - در جستجوی نور (تهیه و تنظیم: واحد تحقیقات مسجد مقدس
جمکران)
- سه مقاله از آیه الله صافی، آیه الله سبحانی و حجة الاسلام کورانی،
درباره امام زمان عجل الله

- ۷ - غیبت، ظهور امامت (تالیف: واحد تحقیقات مسجد جمکران)
- ۸ - حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت (تالیف: محمد محمدی اشتهاردی)
- ۹ - کرامات المهدی علیه السلام و فرازهایی از توقیعات مقدس بقیه الله الاعظم «عج» (گردآورنده: واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران)
- ۱۰ - ناپیدا ولی با ما (تالیف: واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران)
- مروری موجز و مختصر بر زندگی امام مهدی علیه السلام
- ۱۱ - انتظار بهار و باران (تالیف: واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران)
- ۱۲ - امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام (تالیف: سید مرتضی علم الهدی علیه السلام؛ ترجمه: واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران)
- ترجمه کتاب «المقنع»
- ۱۳ - خزائن الاشعار (تالیف: مرحوم عباس حسینی جوهری متخلص به «ذاکر»)
- ۱۴ - خوشه های طلایی (به اهتمام محمد علی مجاهدی «پروانه») (از خرمن فضائل و مناقب یگانه منجی عالم بشریت و قائم اهل بیت حضرت ولی عصر «عج»)
- ۱۵ - تاریخچه مسجد مقدس جمکران (این تاریخچه علاوه بر زبان فارسی به سه زبان انگلیسی، اردو و عربی نیز چاپ شده است)

۱۶ - علی علیه السلام مروارید ولایت (تالیف: واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران)

۱۷ - فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام (تالیف: سید محمد واحدی)

۱۸ - در کربلا چه گذشت (تالیف: مرحوم حاج شیخ عباس محدث قمی، ترجمه آیه الله شیخ محمد باقر کمره‌ای)

۱۹ - از زلال ولایت (به کوشش و اهتمام: واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران)

شرح چهل حدیث امام حسین علیه السلام

۲۰ - زیارت ناحیه مقدسه امام حسین علیه السلام (ترجمه و تحقیق: واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران)

۲۱ - پرچمدار نینوا (تالیف: محمد محمدی اشتهاردی)

تحلیلی از زندگی حضرت عباس علیه السلام

۲۲ - خصایص زینبیه (تالیف: مرحوم سید نورالدین جزایری و تحقیق: ناصر باقری بیدهندی)

ویژگی های حضرت زینب علیها السلام

۲۳ - مفرد مذکر غایب (نوشته: علی مؤذنی)

۲۴ - ... و آن که دیرتر آمد. (نوشته: الهه بهشتی)

۲۵ - سرود سرخ انار (نوشته: الهه بهشتی)

۲۶ - امام مهدی (عج) در شعر عربی (نوشته: دکتر عبداللہی)

۲۷ - گفتمان مهدویت (تالیف: حضرت آیه الله صافی)

۲۸ - حریم حجاب (به کوشش: واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران)

- ۱۶ - علی علیه السلام مروارید ولایت (تالیف: واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران)
- ۱۷ - فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام (تالیف: سید محمد واحدی)
- ۱۸ - در کربلا چه گذشت (تالیف: مرحوم حاج شیخ عباس محدث قمی، ترجمه آیه الله شیخ محمد باقر کمره‌ای)
- ۱۹ - از زلال ولایت (به کوشش و اهتمام: واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران)
- شرح چهل حدیث امام حسین علیه السلام
- ۲۰ - زیارت ناحیه مقدسه امام حسین علیه السلام (ترجمه و تحقیق: واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران)
- ۲۱ - پرچمدار نینوا (تالیف: محمد محمدی اشتهاردی)
- تحلیلی از زندگی حضرت عباس علیه السلام
- ۲۲ - خصایص زینبیه (تالیف: مرحوم سید نورالدین جزایری و تحقیق: ناصر باقری بیدهندی)
- ویژگی های حضرت زینب علیها السلام
- ۲۳ - مفرد مذکر غایب (نوشته: علی مؤذنی)
- ۲۴ - ... و آن که دیرتر آمد. (نوشته: الهه بهشتی)
- ۲۵ - سرود سرخ انار (نوشته: الهه بهشتی)
- ۲۶ - امام مهدی (عج) در شعر عربی (نوشته: دکتر عبداللهی)
- ۲۷ - گفتمان مهدویت (تالیف: حضرت آیه الله صافی)
- ۲۸ - حریم حجاب (به کوشش: واحد تحقیقات مسجد جمکران)